

## دولت و سیاست آموزش در ایران

از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۸ش

دکتر علی ساعی\*

دکتر معصومه قاراخانی\*\*

دکتر فرشاد مؤمنی\*\*\*

تاریخ دریافت: ۹۰/۳/۲۳

تاریخ پذیرش: ۹۰/۷/۱۵

### چکیده

این مقاله به مطالعه سیاست آموزش<sup>۱</sup> در ایران می‌پردازد. سیاست آموزش به عنوان بُعدی از سیاست اجتماعی می‌تواند تحت تأثیر جهت‌گیری‌ها و رویکردهای دولت‌ها قرارگیرد. اما درباره این که در ایران دولت‌های گوناگون

saei.ali1@gmail.com

qarakhanim@gmail.com

---

\* استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس.

\*\* دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس.

\*\*\* استادیار اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی.

<sup>۱</sup>. Education policy

چه جهت‌گیری نسبت به سیاست آموزش داشته‌اند دریافت دقیقی وجود ندارد. در پی همین مسئله، پرسش پژوهش این است که تاثیر رویکرد دولت‌ها بر سیاست آموزش در ایران چگونه بوده است؟ برای پاسخ به این پرسش سیاست آموزش در دو بعد درون‌داد قانونی و هزینه اجتماعی در طول سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۸ ش. و با استفاده از داده‌های کمی و کیفی مورد مطالعه قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان داد، سیاست آموزش در دو بعد درون‌داد قانونی و هزینه اجتماعی در بازه زمانی مورد بررسی تابعی از رویکرد دولت‌ها نبوده است. این بدان معنی است که سواى اختلافات اندک در برخی درون‌دادهای قانونی، سیاست‌های دولت‌های یاد شده در حوزه آموزش استمرار یافته و تکرار شده‌اند. همچنین طی سال‌های مورد بررسی، اگرچه هزینه اجتماعی در بعد آموزش نوسان اندکی داشته است اما به نظر می‌رسد این نوسان تحت تاثیر تغییر رویکرد دولت‌ها نبوده است

**واژه‌های کلیدی:** سیاست اجتماعی، سیاست آموزش، رفاه اجتماعی،

رویکرد دولت، هزینه اجتماعی

## طرح مسأله

سیاست اجتماعی<sup>۱</sup> که به مطالعه نقش دولت در ارتباط با رفاه شهروندان می‌پردازد (Alcock et al 2008: 3) زیر مجموعه سیاست عمومی و وابسته به پس‌زمینه‌های

۱- سیاست اجتماعی در این پژوهش معادل Social policy و زیرمجموعه Public policy به کار گرفته شده است. در این پژوهش Social policy ناظر بر مطالعه علمی کنش اجتماعی دولت در زمینه ایران است. در برخی منابع ترجمه شده به فارسی به طور نمونه کتاب مقدمه‌ای بر سیاست‌گذاری اجتماعی (ترجمه سعیدی و صادقی جقه، ۱۳۸۹) با این استدلال که سیاست‌گذاری اجتماعی عمل و کنشگری موجود در Social policy را بهتر نشان می‌دهد، معادل Social policy به کار رفته است. با وجود دشواری موجود در معادل‌گذاری برای مفهوم Politic و Policy در زبان فارسی، یادآور می‌شود تمایز روشنی میان politic و policy که در فارسی برای هر دو معادل «سیاست» به کار رفته است وجود دارد. به گفته پیتون (۱۹۹۶) سیاست Politic حوزه‌ای است که در آن احزاب سیاسی و کنشگران دیگر، علایق و ایدئولوژی‌ها را به روشنی بیان کرده و آن را به صورت سیاست policy مطرح می‌کنند. سیاست policy به گونه‌ای که از سیاست‌ها Politics منتج شده مجموعه‌ای از اهداف و موضوعاتی برای حوزه‌های خاص نظیر سلامت، آموزش و مسکن است. اما در واقع سیاست policy

ایدئولوژیکی است (Hann, 2007). سیاست اجتماعی در مواجهه با پنج شیطان بزرگ<sup>۲</sup> جامعه یعنی بیکاری، بیماری، گرسنگی، بی‌خانمانی و بیسوادی که اولین بار توسط بورویج (۱۹۴۲) مطرح شد (Gough, 2008: 41) دربرگیرنده حوزه‌هایی مانند؛ سیاست اشتغال، سیاست آموزش، سیاست تأمین اجتماعی<sup>۳</sup>، سیاست مسکن، سیاست بهداشت و سلامت است. ابعاد دیگری از این حوزه شامل سیاست جرم و مجازات، سیاست حمایت اجتماعی<sup>۴</sup> و سیاست محیط زیست می‌باشد. هدف کلی این سیاست‌ها مقابله با مسائلی است که بر رفاه تأثیر گذاشته و موجب فقر و نابرابری می‌شود.

از میان ابعاد سیاست اجتماعی، آموزش یکی از پنج کلید اصلی دولت رفاه پس از جنگ جهانی دوم بود (Alcock et al 2008: 231) که بعد از سیاست سلامت، دومین خدمت در بخش هزینه اجتماعی است و شامل آموزش ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان و آموزش عالی است (Pickvance, 1999: 522). بنابراین آموزش قبل از ابعاد دیگر خدمات اجتماعی مورد توجه دولت‌ها بوده است. «زیرا ضروری‌ترین رکن مبارزه با فقر، توانمندسازی زنان، ارتقا دموکراسی و حقوق بشر، حفظ محیط زیست و کنترل رشد جمعیت به شمار می‌آید» (یونیسف، ۱۹۹۹: ۱۳ به نقل از هال و میجلی، ۱۳۸۸: ۲۴۷). هدف سیاست آموزش ترکیبی از اهداف فردی و اجتماعی است (هال و میجلی،

---

(ادامه پاورقی صفحه بعد)

به شدت از طریق سیاست‌ها Politics القا می‌شود (Paton, 1996: 6&7). با توجه به توضیحات مطرح شده و به‌رغم نظر سعیدی و صادقی جقه، در این پژوهش «سیاست اجتماعی» را معادل مناسب‌تری برای Social policy دانسته و «سیاست‌گذاری اجتماعی» را معادل بهتری برای Social policy making در نظر می‌گیریم. یادآوری می‌شود در کتاب‌ها و مقالات موجود در حوزه سیاست اجتماعی هم در بیان علمی مباحث این حوزه و هم کنش‌های اجتماعی سیاست‌گذاران و هر نوع اقدام سیاست‌گذارانه، Social policy به کاررفته است (بنگرید Baldok et al 1999؛ Ramesh 2004؛ Segal 2007) در متون ترجمه شده به فارسی تنها معادل‌گذاری این مفهوم مناقشه‌برانگیز است.

<sup>2</sup>. Five Giants

<sup>3</sup>. Social security

<sup>4</sup>. Social protection

۱۳۸۸؛ Pickvance, 1999: 526). در سطح فردی فرصت رشد و توسعه شخصی را برای فرد فراهم می‌کند و در سطح اجتماعی به عنوان نیروی تمدن‌ساز تلقی می‌شود. به عبارتی نیروی بالقوه برای کاهش نابرابری اجتماعی و افزایش انسجام اجتماعی است (Vickerstaff, 1999: 286). سیاست آموزش به عنوان موضوعی که منافع اقتصادی، اجتماعی و فردی داشته و فرصت‌هایی برای فرد به منظور ارتقا رفاه اجتماعی و رهایی از نابرابری فراهم می‌کند، در حوزه سیاست اجتماعی مورد توجه جدی قرار دارد.

از آنجایی که به باور اندیشمندان جهت‌گیری‌های سیاسی آگاهانه بازیگران [یعنی] هویت‌ها، عقاید، گرایش‌ها، اعتقادات، ارزش‌ها، ایدئولوژی و کلیشه‌ها (بنگرید به Gough, 2008; Walsh et al 2000؛ پارسونز، ۱۳۸۵، جلد دوم، ۱۹۱) تعیین‌کننده خط‌مشی دولت‌ها و سیاست‌های آنان در ابعاد اجتماعی و اقتصادی است. شناسایی موقعیت‌های ایدئولوژیکی بازیگران سیاسی و نیز تحلیل دقیق تأثیرات و پیامدها و برون‌دادهای سیاست‌ها از اهمیت فراوانی برخوردار است (Alcock et al 2008: 186).

بر این اساس، انتظار می‌رود دولت‌ها بر اساس ایده‌ها و رویکردهای گوناگون سیاسی، جهت‌گیری‌های متفاوتی در سیاست‌های اجتماعی خود داشته باشند. این پیش‌فرض نیز برای ایران که پس از انقلاب ۱۳۵۷ دولت‌هایی با رویکردهای سیاسی متفاوت داشته است، قابل تصور است. اما تاکنون به این پرسش که آیا اساساً در ایران دولت‌ها<sup>۱</sup> با

---

۱- پیرامون مفهوم دولت (state) بحث‌های متعددی وجود دارد. در ادبیات سیاسی و در زبان عامیانه سه مفهوم دولت، حکومت (government) و حتی نظام سیاسی به جای یکدیگر به کار می‌روند. در بین صاحب‌نظران نیز در تعریف مفهومی آن‌ها اتفاق نظر کافی وجود ندارد و گاهی نیز با چشم‌پوشی از تفاوت‌های مفهومی آن‌ها این سه مفهوم به جای یکدیگر به کار گرفته می‌شود. به عقیده لمن (۱۹۸۸) نظام سیاسی نظام فراگیر قدرت سیاسی جامعه است که هم شامل مکانیسم‌های «مشارکت رو به بالا» است که بر اساس آن قدرت اجتماعی تبدیل به قدرت سیاسی می‌شود و هم شامل مکانیسم‌های «کنترل رو به پایین» است که از طریق آن صاحبان قدرت، قدرت سیاسی را در حوزه‌های اجتماعی اعمال و کنترل می‌کنند. دولت در این میان بخشی از نظام سیاسی و برجسته‌ترین لایه آن را تشکیل می‌دهد (لمن، ۱۹۸۸: ۸۱۷ به نقل از یوسفی، ۱۳۷۹: ۴). در این پژوهش دولت را

رویکرد سیاسی متفاوت دارای رویکرد مشخص به سیاست اجتماعی هستند یا خیر؟ پاسخ داده نشده است. بنابراین ما دریافت دقیقی درباره وجود گونه‌شناسی رویکرد دولت‌ها به سیاست اجتماعی در ایران نداریم. این موضوع مستلزم بررسی هر یک از ابعاد سیاست اجتماعی با توجه به تعیین‌کننده‌های مؤثر بر آن است. این پژوهش که بر یکی از اصلی‌ترین ابعاد سیاست اجتماعی یعنی سیاست آموزش متمرکز است، آموزش را در دامنه آموزش و پرورش در نظر می‌گیرد، بنابراین آموزش عالی شامل این بررسی نمی‌شود.

در ایران که دولت بازیگر اصلی سیاست اجتماعی است، این تلقی وجود دارد که سیاست آموزش با وجود دستاوردها و کاستی‌هایش محصول سیاست‌های دولت است. سیاست آموزش مانند ابعاد دیگر سیاست اجتماعی می‌تواند تحت تأثیر الگوهای متفاوت قدرت قرار داشته و این سیاست‌ها متأثر از رویکرد دولت‌ها تغییر می‌یابند. این مطالعه مقدمه‌ای است برای بررسی رابطه میان رویکرد دولت‌ها و سیاست اجتماعی آنان. بنابراین با تمرکز بر بُعد آموزش در پی پاسخ به این پرسش است که «تأثیر رویکرد دولت‌ها بر سیاست آموزش در ایران از ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۸ ش. چگونه بوده است؟» پاسخ به پرسش پژوهش را با توجه به رویکرد دولت‌ها از ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۸ ش. پی‌گرفته‌ایم. مطالعه سیاست آموزش در رابطه با جهت‌گیری‌ها و رویکردهای متفاوت دولت‌ها می‌تواند فهم بهتری از تفاوت‌های میان آن‌ها در طی این سال‌ها به دست دهد. بنابراین پژوهش حاضر بنا دارد با پرداختن به بخش رسمی محیط نهادی سیاست آموزش، هدف خود را تحلیل بخشی از سیاست آموزش در ایران قرار دهد و بررسی تأثیر تعیین‌کننده‌های دیگر سیاست آموزش در ایران را به پژوهش‌های دیگری بسپارد. به این ترتیب اهداف نظری و تجربی شامل: طرح موضوع سیاست آموزش در

زمینه ایران؛ شناخت نقش دولت در تحول سیاست آموزش و آزمون تجربی چارچوب مفهومی پژوهش در ایران مورد توجه است.

### چارچوب نظری

رهیافت‌های نظری و البته روش‌شناختی گوناگون، چارچوب محکمی برای تحلیل سیاست‌اجتماعی فراهم آورده و در ابعاد خرد و کلان، سهمی در درک فرایندهای سیاست اجتماعی و عملکردهای آن داشته‌اند. یکی از اولین طبقه‌بندی‌های نظری درباره سیاست اجتماعی که در دهه ۱۹۷۰ به عمل آمد طبقه‌بندی بین رفاه، سیاست و ایدئولوژی‌ها بود. جهت‌گیری‌های هر یک از مکاتب فکری نسبت به سیاست اجتماعی و رفاه سبب ارائه مدل‌هایی از دولت‌های رفاه گردید که در دو طیف اصلی راست و چپ قرار گرفتند (بنگرید به Walsh et al 2000; Alcock et al 2008). هال و میجلی (۱۳۸۸) در یک تقسیم‌بندی از نظریه‌های سیاست اجتماعی آن‌ها را به سه دسته: «نظریه بازنمایی»، «نظریه تبیینی یا تحلیلی» و «نظریه هنجاری» تفکیک نموده‌اند. آن‌ها در توضیح این سه دسته از نظریه‌ها می‌نویسند:

#### نظریه بازنمایی: با طبقه‌بندی سروکار دارد و در صدد است پدیده‌های

بسیار پیچیده سیاست اجتماعی را به مقوله‌هایی که قابلیت کنترل بیشتری دارند، تقلیل دهد تا از این طریق به درک رویکردهای مختلف سیاست اجتماعی یاری رساند. این مقوله‌ها به عنوان گونه‌شناسی و مدل نیز شناخته می‌شوند. یکی از نخستین تلاش‌ها برای پدید آوردن یک گونه‌شناسی از سیاست اجتماعی، مدل پسامند - نهادی ویلنسکی و لیبوکس (۱۹۶۵) است... مدل تیموس، اسپینگ - اندرسن نیز کشورها را بر حسب رویکردهای سیاست اجتماعی‌شان دسته‌بندی می‌کنند....

#### نظریه تبیینی یا تحلیلی: در پی پاسخگویی به پرسش‌های گوناگون

پیرامون ماهیت سیاست اجتماعی، کارکرد آن در جامعه و دلایل تحول آن می‌باشند... نظریه‌هایی که صنعتی شدن یا گروه‌های ذینفع را عامل توسعه

سیاست اجتماعی می‌دانند و یا گروهی که عقیده دارند سیاست اجتماعی از سوی حکومت‌ها برای جلوگیری از ناآرامی‌ها است.

#### نظریه‌های هنجاری: به منظور تعیین یک چارچوب ارزشی برای

سیاست اجتماعی به کار می‌روند. آن‌ها به شناخت سیاست‌های اجتماعی مناسب بر حسب مجموعه‌های متفاوتی از ارزش‌ها، ایدئولوژی‌ها و اهداف سیاسی کمک می‌کنند. نظریه هنجاری به نحو تنگاتنگی با ایدئولوژی‌های سیاسی در ارتباط است. به طور عمده ذیل این نظریه سه رویکرد دولت‌گرا، موسسه اقتصادی و رویکرد مردم‌گرا قرار دارند (در این باره بنگرید به هال و میجلی، ۱۳۸۸: ۵۴-۷۲).

به نظر می‌رسد بخش سوم دسته‌بندی هال و میجلی (۱۳۸۹) یعنی نظریه‌های هنجاری ذیل نظریه‌های دولت / نهاد محور<sup>۱</sup> (در این باره بنگرید به Cho, 2007: 20) قابل طرح است. این نظریه‌ها که در مقابل نظریه‌های جامعه‌محور<sup>۲</sup> (Balddwin, 1990; Dahl, 1961; Domhoff, 1996; Esping-Andersen, 1990; Lipset, 1963; Moore Jr به نقل از: Stryker, 1997: 1) قرار دارند به نقش عوامل فرهنگی و ایدئولوژی‌های سیاسی به عنوان عوامل ساختاری تعیین‌کننده سیاست‌های اجتماعی تأکید دارند (برای مطالعه بیشتر درباره نظریه‌های سیاست اجتماعی بنگرید به قاراخانی، ۱۳۹۰ الف).

اگر چه تقسیم‌بندی هال و میجلی (۱۳۸۹) از نظریه‌های سیاست اجتماعی تصویر روشنی از نظریه‌ها ارائه می‌کند، اما این تقسیم‌بندی خالی از اشکال نیست. نظریه‌هایی که ذیل نظریه بازنمایی قرار گرفته‌اند همپوشانی بسیاری با نظریه‌های دسته دوم، یعنی نظریه‌های تبیینی یا تحلیلی و نظریه‌های دسته سوم یعنی نظریه‌های هنجاری دارند. زیرا شناسایی مدل‌های سیاست اجتماعی و تفکیک انواع مدل‌های رفاهی فارغ از مطالعه

<sup>۱</sup>. State – centered (institutional – centered) theorists

<sup>۲</sup> - این نظریه‌ها معادل Society – centered theorists بر منافع و انگیزه کنشگران جمعی در جامعه مدنی تأکید دارند.

ابعاد هنجاری یعنی ایدئولوژی‌ها و رویکردهای سیاسی دولت‌های رفاهی، آن‌گونه که ذیل نظریه‌های هنجاری مطرح است و نیز مکانیسم روابط جامعه، بازار و دولت، آن‌گونه که ذیل نظریه‌های تبیینی به آن پرداخته می‌شود، دشوار است. مطالعه گونه‌شناسی دولت‌های رفاه صنعتی توسط اسپینگ اندرسن به خوبی نشان می‌دهد این گونه‌شناسی متکی به مباحث ذیل نظریه‌های تبیینی و البته هنجاری است. با این وجود، به منظور آن‌که چارچوب نظری مورد استفاده در این پژوهش از یک مبنای تقسیم‌بندی مشخص نظری تبعیت نماید، تقسیم‌بندی نظری هال و میجلی (۱۳۸۹) را مبنا قرار داده و با توجه به هدف و پرسش پژوهش نظریه هنجاری را به عنوان چارچوب نظری پژوهش بر می‌گزینیم.

طبق این نظریه، ایدئولوژی‌های رفاه برخاسته از ایدئولوژی‌های سیاسی، چارچوب سیاست‌های اجتماعی را تعیین می‌کنند. با توجه به نقش محوری دولت‌ها در سیاست‌گذاری اجتماعی، رویکردهای ایدئولوژیک به بخش رفاه و تحلیل‌های آکادمیک از آن متمایل به ارتباط با دیدگاه‌های طیف راست یا چپ سیاسی‌ای بوده است که در طی صد سال گذشته، وجود داشته‌اند (Walsh et al, 2000: 14). جدول ۱، یک تقسیم‌بندی رایج از ایدئولوژی‌های رفاه ارائه می‌دهد.

طبق این چارچوب، تأثیرگذاری گرایش‌های فکری و ایدئولوژیک در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، فرهنگی و حتی اقتصادی و نظامی دولت [در سیاست‌های او] نمود عینی و عملی پیدا می‌کند (هی‌وود، ۱۳۷۹). سیاست‌ها تغییر می‌کند و این تغییر می‌تواند با ارجاع به تغییر پشتوانه‌ایده‌ها درباره دولت، جامعه و فردی که توسط افراد مؤثر، گروه‌ها و جنبش‌ها و احزاب سیاسی معرفی شده، تبیین گردد (Alcock et al, 2008: 158).



جدول ۱- انواع ایدئولوژی‌های رفاه

ایدئولوژی‌های رفاه			
و دربرن (۱۹۶۵)			
ضداشتراک‌گرایی	شهروندی	جمع‌گرایی	کارکردگرایی
تیتماس (۱۹۷۴)			
مآزادگرایی	صنعت‌گرایی	نهادگرایی	
تیلور، گوبی و دیل (۱۹۸۱)			
فردگرایی	اصلاح‌گرایی	ساختارگرایی	مارکسیسم
جورج و ویلدینگ (۱۹۹۴)			
راست جدید	راه سوم	سوسیال دموکرات	مارکسیسم فمینیسم سبزگرایی

منبع: Manning, 1999: 72

برخلاف دیدگاه‌های مطرح شده پیشین، بلیک‌مور (۱۳۸۹) بر این اعتقاد است: «به ندرت و شاید هم بتوان گفت هیچ‌گاه آن‌چه توسط دولت به عنوان اندیشه‌ها و اصول بیان می‌شود سیاست‌ها را تعیین نمی‌کند.» این موضوع نشان می‌دهد که یک رویکرد، یک سیاست اجتماعی خاص را در یک زمان معین به دنبال ندارد. این موضوع تا حدودی با بحث مطرح در رویکردهای دولت‌محور که بر نقش رویکرد دولت بر سیاست اجتماعی تأکید دارند مغایرت می‌یابد، اما این به معنای نادیده گرفتن تأثیر اصول و اندیشه‌های سیاست‌گذاران بر سیاست اجتماعی نیست. بنابراین، همسو با باور

الکاک (۲۰۰۸) بر این عقیده‌ایم که «هر چند شناسایی موقعیت‌های ایدئولوژیکی بازیگران سیاسی به تنهایی کافی نیست، اما دارای اهمیت فراوانی است» (Alcock et al 2008: 186). تأثیر گرایش‌ها و رویکرد دولت‌ها در هر یک از ابعاد سیاست اجتماعی قابل مطالعه است. سیاست آموزش به عنوان بُعدی از سیاست اجتماعی از این قاعده مستثنی نیست و «دولت و حکومت در شکل دادن به نظام آموزش و پرورش، همانند اکثر خدمات عمومی مهم‌ترین نقش را بازی می‌کنند» (بلیک‌مور، ۱۳۸۹: ۱۸۴). طبق مسئله پژوهش و چارچوب نظری مطرح شده، فرضیه اساسی پژوهش این است: سیاست آموزش تابعی از رویکرد دولت در ایران است، به طوری که با شرط تغییر رویکرد دولت - چپ سنتی، راست مدرن، چپ مدرن، اصولگرای رادیکال - سیاست آموزش نیز تغییر می‌یابد.

### تعریف مفاهیم

**سیاست آموزش:** مجموعه سیاست‌ها و برنامه‌هایی است که دولت برای گسترش آموزش همگانی به منظور توانمندسازی افراد و توسعه شخصی آنان با هدف کاهش نابرابری اجتماعی و انسجام اجتماعی اتخاذ می‌کند. به طور کلی به منظور سنجش سیاست اجتماعی و در این‌جا سیاست آموزش می‌توان به شیوه‌های گوناگون عمل نمود. یکی از شیوه‌های عملیاتی نمودن سیاست اجتماعی [در این‌جا سیاست آموزش] و بررسی آن در سه بُعد درون‌داد<sup>۱</sup>، برون‌داد<sup>۲</sup> و برآیند<sup>۳</sup> است. درون‌داد اشاره به ورودی‌های قانونی یا هزینه اجتماعی<sup>۴</sup> دارد. برون‌داد به کاربرد قانون و تأمین خدمات خاص مربوط است و برآیند اشاره به تأثیرات نهایی بر افراد یا توزیع اجتماعی دارد (Evenz, 1988: 281; Gough, 2008: 42). در این پژوهش سیاست آموزش تنها از بُعد

<sup>1</sup>. Input

<sup>2</sup>. Output

<sup>3</sup>. Outcome

<sup>4</sup>. Social spending

درون داد که اشاره به ورودی‌های قانونی و نیز هزینه آموزش<sup>۱</sup> دارد، عملیاتی شده است. ورودی‌های قانونی با مراجعه به سیاست‌های کلی بُعد آموزش در قانون برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (برنامه‌های اول، دوم، سوم، چهارم و پنجم توسعه) و مصوبه‌های دولت‌ها<sup>۲</sup> پیگیری شده است. در بخش مصوبه‌های دولت، با جستجوی کلید واژه «آموزش» تعداد ۴۱۸ مصوبه که تنها شامل مصوبه‌های هیات وزیران (دولت) است به دست آمد (برای مشاهده متن مصوبه‌های آموزش بنگرید به قاراخانی، ۱۳۹۰ الف). نکته‌ای که باید به آن توجه داشت این است که تصویب سیاست‌ها موضوعی جدا از اجرای آن است بنابراین، تحقق عملی سیاست‌ها و میزان عملیاتی شدن آن‌ها مورد توجه این پژوهش نیست. هزینه آموزش بُعد دیگری از درون داد سیاست آموزش در این پژوهش است. لوین (۱۳۸۱) در اهمیت منابع مالی آموزش بر این باور است که «تأمین منابع مالی آموزش و پرورش سازو کارهایی سیاسی برای تصمیم‌گیری در هر جامعه را منعکس می‌سازد» (لوین، ۱۳۸۱: ۳۹۸ به نقل از انصاری، ۱۳۸۹: ۳۲). هزینه آموزش بر اساس «هزینه آموزش از تولید ناخالص داخلی» محاسبه شده است. از این شاخص که در تحلیل‌های اقتصاد آموزش و پرورش از آن به عنوان تلاش ملی<sup>۳</sup> نام برده می‌شود (صراف و دیگران، ۱۳۸۳: ۶) در مطالعات تطبیقی بین کشوری به منظور عملیاتی نمودن درون داد سیاست آموزش استفاده شده است (در این باره بنگرید به Karshenas & Moghadam, 2006; Ramesh, 2005). مقدار این شاخص پس از استخراج داده‌های

<sup>۱</sup>. Education expenditure

۲- مجموع مصوبه‌ها در لوح فشرده‌ای با عنوان لوح حق توسط معاونت پژوهشی دفتر مطالعات فناوری‌های نوین مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۸۹) تهیه شده است. در این لوح مصوبه‌های هر یک از نهادهای گوناگون از جمله هیات وزیران، مجلس شورای اسلامی، مجمع تشخیص مصلحت و شورای عالی انقلاب فرهنگی تفکیک شده است. در این پژوهش تنها مصوبه‌های هیات وزیران (دولت) بررسی شده است. مصوبه‌ها شامل مواردی است که در سطح ملی به تصویب رسیده و اجرای آن در سطح ملی قابل پیگیری است. مصوبه‌هایی که دربردارنده مواردی مانند انتصابات، اساسنامه‌ها، اصلاح برخی آیین‌نامه‌ها، اجازه استخدام، واگذاری سهام، واگذاری مالکیت، انعقاد قرارداد یا خرید تجهیزات است در مرحله اول کنار گذاشته شدند.

<sup>۳</sup>. National effort

خام بودجه آموزش از قانون بودجه سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۸ ش. که شامل دو بخش تملک دارایی سرمایه‌ای و جاری است محاسبه شده است.

**رویکرد دولت:** عبارت است از ایده‌ها و جریان فکری حاکم بر سیاست‌های دولت‌ها که به آن ایدئولوژی دولت نیز گفته می‌شود. در ایران «هر چند تأکید بر سنت اسلامی به عنوان منشأ همه ارزش‌ها و هنجارهای مقبول، اصل اساسی ایدئولوژی نظام جمهوری اسلامی است» (بنگرید به بشیریه، ۱۳۸۱) اما درون نظام، جهت‌گیری‌ها و طیف‌های سیاسی وجود دارد که با عنوان گفتمان سیاسی (بشیریه، ۱۳۸۱؛ فرقانی، ۱۳۸۲) یا طیف‌ها / جناح‌های سیاسی (ظریفی‌نیا، ۱۳۷۸، ذکرایی، ۱۳۸۰؛ بیژنی و همکاران، ۱۳۸۸) شناسایی شده‌اند. در این پژوهش، رویکرد دولت با توجه به طیف‌های سیاسی پشتیبان دولت‌ها طی سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۸ ش. شناسایی شده است. با انتساب هر یک از دولت‌ها به جناح‌های سیاسی‌شان<sup>۱</sup>، رویکرد این دولت‌ها از طریق شناسایی رویکرد این جناح‌ها دنبال شده است.

در تقسیم‌بندی‌های معمول از طیف‌های سیاسی پس از انقلاب، سال‌های ۶۸-۱۳۶۰ رویکرد چپ سنتی، سال‌های ۷۶-۱۳۶۸ رویکرد راست میانه (عملگرایان، مصلحت‌گرایان، واقع‌گرایان، جناح میانه، فن‌سالاران و تکنوکرات‌ها) و سال‌های ۸۴-۱۳۷۶ را رویکرد چپ مدرن (اصلاح‌طلبی) (برزین، ۱۳۷۷؛ بشیریه، ۱۳۷۸؛ ظریفی‌نیا، ۱۳۷۸؛ مرتجی، ۱۳۷۸؛ کدی، ۱۳۸۳؛ شهرام‌نیا؛ ۱۳۸۵؛ بیژنی و همکاران، ۱۳۸۸) و سرانجام سال‌های ۸۸-۱۳۸۴ را دوره اصولگرای رادیکال (عدالت‌خواه، توزیع‌گرا،

۱- درباره جناح‌بندی در ایران دو نظر وجود دارد: یک گروه اصولاً بر این عقیده‌اند که جناح و جناح‌بندی در نظام جمهوری اسلامی وجود ندارد و اگر هم هست آنقدر مهم و اساسی نیست که مورد بررسی قرارگیرد. گروه دوم، جناح‌بندی سیاسی در ایران را یک واقعیت سیاسی تلقی کرده و معتقدند جناح‌ها و گفت‌وگوی میان آن‌ها واقعی است (برزین، ۱۳۷۸). به هر حال با مورد توجه قراردادن موضع‌گیری‌ها و گرایش‌های طیف‌ها و افراد مختلفی که از ابتدای انقلاب ۱۳۵۷ تا کنون در رأس قدرت قرارگرفتند می‌توان وجود جناح‌ها را به وضوح مشاهده کرد (ظریفی‌نیا، ۱۳۷۸: ۴۳).

راست انقلابی التقاطی) (بیژنی و همکاران، ۱۳۸۸) معرفی می‌کنند. در این پژوهش چهار دولت پس از انقلاب از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۸ ش. مورد مطالعه قرار می‌گیرند. دولت‌های چهارگانه مورد بررسی با رویکردهای خود شامل دولت میرحسین موسوی با رویکرد چپ سستی، دولت علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی با رویکرد راست مدرن، دولت سید محمد خاتمی با رویکرد چپ مدرن و سرانجام دولت محمود احمدی نژاد با رویکرد اصول‌گرای رادیکال معرفی می‌شوند.

### روش پژوهش

از آنجایی که در این پژوهش هدف شناسایی و مقایسه دولت‌های چهارگانه ایران طی سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۸ ش. در سیاست‌های اجتماعی‌شان - در این جا سیاست آموزش - بر مبنای رویکرد آن‌ها است از روش تطبیقی استفاده می‌شود. چون مطالعه تنها بر یک مورد (کشور ایران در دوره‌های مختلف) متمرکز است، مطالعه موردی است. شیوه گردآوری داده‌ها اسنادی است. با استفاده از داده‌های ثانویه مربوط به سیاست آموزش و نیز رویکرد دولت به تحلیل بخشی از سیاست اجتماعی در ایران خواهیم پرداخت. داده‌های ثانویه با مراجعه به *قانون برنامه توسعه<sup>۱</sup>*، *مصوبه‌های دولت‌ها و قانون بودجه<sup>۲</sup>* گردآوری شده‌اند. برای تحلیل داده‌ها از تکنیک‌های کیفی و کمی

---

۱- ملاک بررسی برنامه‌های توسعه با توجه به رویکرد دولتی است که به تدوین آن‌ها پرداخته است، هر چند خود مجری آن نباشد.

۲- لازم به یادآوری است مراجعه به متن قانون بودجه با آگاهی از کاستی‌های قانون بودجه بوده است. چنان‌که گفته می‌شود: هزینه‌های واقعی بودجه بیش از دو برابر مقداری است که گزارش می‌شود. بنابراین هزینه‌های بسیار دیگری وجود داشته و دارند که در حساب هزینه‌های بودجه قید نمی‌شوند و بسیاری از ملاحظات از طریق سازوکار بیرون از بودجه اعمال می‌شود (پرمه، ۱۳۸۳: ۳۳ تا ۴۰ به نقل از انصاری، ۱۳۸۹: ۳۵ و ۳۶). بنابراین به خلاف تصور معمول در شرایطی که بخش قابل توجهی از منابع بخش عمومی به مسیرهای بیرون از بودجه منتقل شود و اسناد بودجه از شفافیت کافی برخوردار نباشد می‌توان انتظار داشت که به سادگی نتوان از ترکیب ارقام بودجه به شکلی که در اختیار عموم قرار می‌گیرد به چگونگی تخصیص واقعی منابع عمومی در میان فعالیت‌ها و

استفاده شده است. واحد تحلیل پژوهش، دولت‌های چهارگانه از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۸ ش. هستند. واحد مشاهده متن برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (برنامه اول، دوم، سوم، چهارم و پنجم توسعه) و متن مصوبه‌های دولت‌های چهارگانه است. از آنجایی که معرف‌های تجربی پژوهش از طریق رجوع به پژوهش‌های پیشین و شاخص‌های متداول و پذیرفته شده محققان حوزه سیاست اجتماعی تعیین شده است از اعتبار معیار<sup>۱</sup> برخوردار هستند. همچنین به دلیل این‌که معرف‌ها بر اساس چارچوب نظری تعیین شده‌اند، از اعتبار سازه نیز برخوردار هستند. روایی پژوهش از طریق رجوع به اسناد معتبر و دست اول که عموماً در مطالعات اسنادی مورد استفاده قرار می‌گیرند و قابل پیگیری و بررسی هستند، تأمین شده است.

### یافته‌های پژوهش

در این پژوهش با استفاده از داده‌های کیفی و کمی به تحلیل رابطه رویکرد دولت‌های چهارگانه از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۸ ش. و سیاست آموزش پرداخته شده است. یافته‌های بخش کیفی که نتیجه بررسی رویکرد دولت‌ها و سیاست آموزش آن‌ها از جهت سیاست‌های قانونی این دولت‌ها است، گزارش شده است. پس از آن نتیجه آزمون تحلیل واریانس ارائه می‌شود.

---

نهادهای گوناگون پی‌برد (انصاری، ۱۳۸۹: ۳۶). پیش از سال ۱۳۸۱ که درآمدهای ارزی کشور با نرخ‌های چندگانه تخصیص می‌یافت، بخش‌ها و فعالیت‌هایی که بیشتر مورد حمایت و توجه دولت قرار داشتند از مقدار ارز بیشتری با نرخ پایین‌تر از نرخ رایج در بازار بهره‌مند می‌شدند. از سویی دیگر، قیمت فرآورده‌های نفتی در داخل کشور کمتر از بهای بین‌المللی بوده و مابه‌التفاوت مذکور منشأ یکی دیگر از عمده‌ترین منابع مالی بیرون از بودجه است. دخالت دولت در بازار اعتبارات از طریق دادن وام با نرخ‌هایی کمتر از نرخ بازار به بخش‌ها و فعالیت‌هایی که مورد حمایت دولت هستند گونه‌ای تصمیم‌گیری بودجه‌ای است که آثار آن در سند بودجه منعکس نمی‌شود (همان).

<sup>۱</sup>. Criterion validity

## دولت چپ سنتی و سیاست آموزش

مطالعه دولت‌های پس از انقلاب ۱۳۵۷ نشان می‌دهد که، گفتمان سیاسی چپ سنتی در سال‌های ۶۸-۱۳۶۰ با دولت میرحسین موسوی آغاز شد. به گفته برزین (۱۳۷۷) گفتمان [چپ سنتی] ریشه در گرایش «حزب‌الله» داشت. یکی از قدیمی‌ترین گرایش‌های سیاسی در حاکمیت نظام بر این اعتقاد بود که باید «نهادهایی انقلابی در خارج از دستگاه دولت» به وجود آورد تا سلامت نظام جدید در برابر تهدید نظام پهلوی حفظ شود (برزین، ۱۳۷۷: ۴۹). از عناصر برجسته محتوای فکری جناح حزب‌الله که از لحاظ فکری تحت تأثیر رادیکالیسم طبقاتی قرارداشت، حمایت و پشتیبانی از تنگدستان و ایستادگی در برابر اشراف بود (برزین، ۱۳۷۷: ۴۹). موتور حرکت حزب‌الله را طبقه پایین شهری و اقشار پایین طبقه متوسط تغذیه می‌کرد و مخاطبینش هم از همان طبقه بودند. حزب‌الله پیشبرد اهداف سیاسی این بخش‌های اجتماعی را تفسیر و تعقیب می‌کرد (برزین، ۱۳۷۷ و ظریفی‌نیا، ۱۳۷۸). دخالت مستقیم دولت در اقتصاد، تأکید بر عدالت اجتماعی و استقلال اقتصادی و سیاسی، مخالفت صریح با خصوصی‌سازی<sup>۱</sup>، آزادسازی اقتصادی و مخالفت با تعدیل اقتصادی و حاکمیت سرمایه‌داری و سرمایه‌دار، مخالفت با حذف سوبسید [یارانه]، ذیل دیدگاه اقتصادی آنان مطرح می‌شد (حسینی‌زاده، ۱۳۶۸: ۳۶۲؛ ظریفی‌نیا، ۱۳۷۸: ۸۰ و فوزی، ۱۳۸۴: ۱۰۲). مهمترین مسئله اجتماعی در این دوره وجود شکاف‌های عمیق بین فقیر و غنی و بدیل مطلوب آن آرمان عدالت اجتماعی بود. از همین‌رو برای از بین بردن این شکاف،

---

۱- در این مورد مناقشاتی وجود دارد. چنانکه گفته می‌شود بزرگترین رکورد مشارکت بخش خصوصی در سرمایه‌گذاری‌های مولد در اقتصاد ایران مربوط به این دوره است. سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در سال ۱۳۶۲، ۸۵/۱ درصد نسبت به سال ۱۳۶۱ افزایش نشان می‌دهد. همچنین شاخص ترکیبی دخالت دولت در اقتصاد ایران که از محاسبه نسبت مجموع هزینه‌های حاکمیتی و تصدی‌گری دولت به تولید ناخالص داخلی به دست می‌آید در دوران جنگ به حدود ۴۰ درصد در سال ۱۳۶۷ رسید (دژپسند و رئوفی، ۱۳۸۷ و مومنی، ۱۳۸۹).

ایدئولوژی پوپولیستی که به گفته بشیریه (۱۳۸۱) بر بسیج سیاسی طبقات پایین و رادیکالیسم اقتصادی تأکید می‌گذاشت (بشیریه، ۱۳۸۱: ۴۵) مطرح گردید.

در این دوره، اولین برنامه توسعه آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی ایران به صورت برنامه پنج ساله برای سال‌های (۶۶-۱۳۶۲) پیش‌بینی و تدوین شد. این برنامه که در سال ۱۳۶۱ تدوین گردید به صورت لایحه به مجلس شورای اسلامی تقدیم شد اما به تصویب نرسید و در نتیجه جنبه اجرایی به خود نگرفت. به هر حال لایحه مزبور مرجع قابل استنادی برای مقایسه و ارزیابی عملکرد آموزش و پرورش در دوره (۶۶-۱۳۶۲) است (عبداللهی، ۱۳۸۹: ۲۶۶). با استناد به قانون برنامه توسعه در بخش آموزش و پرورش اهداف کلی از جمله: تحقق اصل سی‌ام قانون اساسی در خصوص همگانی کردن آموزش و ایجاد امکانات مساوی آموزش برای عموم، تعمیم حداکثر ممکن آموزش ابتدایی برای کودکان شهری و روستایی با تأکید ویژه به روستاها و مناطق محروم، کوشش در جهت ریشه‌کن کردن بیسوادی با اولویت ویژه به روستاها، توسعه آموزش قبل از دبستان در نقاط محروم مناطق که دارای گویش محلی هستند، اصلاح و بهبود دوره راهنمایی تحصیلی و تعمیم گسترش آن به توسعه و انطباق محتوای تمام مقاطع آموزشی به ویژه آموزش متوسطه با نیازهای اقتصادی و اجتماعی فرهنگی کشور و اولویت هر چه بیشتر به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به منظور خودکفا کردن هر چه بیشتر کشور در مهارت‌ها و تخصص‌های فنی و حرفه‌ای مورد نیاز مطرح گردید (معاونت امور اجتماعی مدیریت آموزش و پرورش عمومی و فنی و حرفه‌ای، ۱۳۶۳: ۲-۳). در همین دوره به پیشنهاد شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزارت آموزش و پرورش شورایی زیر عنوان شورای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش به منظور تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش<sup>۱</sup> تشکیل داد. اما نکته مورد

۱- این پیشنهاد در تاریخ ۱۳۶۴/۱۲/۱۳ به آموزش و پرورش ارائه شد. طرح پیشنهادی در چهار بخش شامل: بخش اول، شرح مختصر مبانی تعلیم و تربیت؛ بخش دوم، پیرامون اهداف کلی تعلیم و تربیت. این اهداف که غایت فعالیت‌های آموزش و پرورش است گزیده‌ای است که با توجه به مبانی تعلیم و تربیت اسلامی از میان



توجه این‌که، بخش خصوصی آموزش که در پی انقلاب و نیز براساس قانون اساسی جمهوری اسلامی از میان برداشته شده بود بار دیگر در قالب «مدارس غیرانتفاعی» فعالیتش را آغاز کرد (پیوندی، ۱۳۷۶) و در سال‌های ۱۳۶۸ به بعد بخشی از نظام آموزشی عمومی، خصوصی شد (کریمی، ۱۳۸۶: ۱۶۸). این نکته قابل توجه است که ای‌ین‌نامه اجرایی مدارس غیرانتفاعی که در تاریخ ۶۷/۱۱/۱۱ توسط آموزش و پرورش پیشنهاد شده بود در دولت موسوی که ویژگی رویکرد سیاسی آن مخالفت صریح با خصوصی‌سازی و تأکید بر عدالت اجتماعی بود به تصویب رسید.<sup>۱</sup>

مصوبه‌های دولت چپ سنتی در حوزه آموزش شامل مواردی از جمله تأمین اعتبار برای هزینه‌های آموزش (شامل هزینه‌های آموزشی، آزمون‌های تربیت معلم، برنامه‌های کودکان استثنایی، نهضت سوادآموزی، احداث مدارس در روستاها)، اجازه استخدام معلم، تأیید پیشنهاد وزارت آموزش و پرورش بر اجرای طرح کاد<sup>۲</sup>، آیین‌نامه

---

اهداف مندرج در تعالیم عالیه اسلام و قانون اساسی در حدی است که به قلمرو آموزش و پرورش مربوط می‌شود استخراج و تدوین شده است. بخش سوم مربوط به اصول حاکم بر نظام تعلیم و تربیت می‌باشد که با تکیه بر مبانی تعلیم و تربیت و بهره‌گیری از تعالیم عالیه اسلامی و مفاد قانون اساسی و دستاوردهای بشری و تجارب دیگر کشورهای جهان در زمینه آموزش و پرورش تا آن‌جا که با مبانی تعلیم و تربیت و تعالیم اسلامی مابیتی نداشته باشند استفاده شده است. بخش چهارم، به ارائه ساختار آموزش یعنی دوره‌های آموزشی و مراحل تحصیلی و ویژگی‌های هر کدام اختصاص یافته است (ستاد اجرایی تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش، ۱۳۶۷: ۷-۸).

۱- یکی از سیاست‌ها و خط‌مشی‌های مطرح در برنامه اول توسعه فراهم ساختن زمینه‌های مشارکت فعال و مستمر مردم در آموزش و پرورش است. در اجرای این سیاست توجه به نقش انجمن اولیا و مربیان و نظارت بر فعالیت‌های مدرسه در طراحی و سازماندهی اجرایی طرح کاد و طرح آشنایی با جامعه، مشارکت و مسئولیت بیشتری از اولیا طلب شده است. در لایحه بودجه سال ۱۳۶۴ موارد دیگری از مشارکت مردم در تأمین منابع مالی مورد نیاز برنامه‌های آموزش و پرورش پیشنهاد شده است. از جمله دریافت قسمتی از هزینه آموزش در شهرها به تناسب امکانات و از اولیا کسانی که بدون دلیل موجه با تکرار پایه سبب اشتغال غیرعادلانه ظرفیت‌ها می‌شوند (در این باره بنگرید به معاونت امور اجتماعی مدیریت آموزش و پرورش عمومی و فنی و حرفه‌ای، ۱۳۶۳).

۲- هیأت وزیران در جلسه ۱۳۶۱/۲/۲۹ کلیات پیشنهاد وزارت آموزش و پرورش مبنی بر اشتغال دانش‌آموزان در واحدهای تولیدی و خدماتی به منظور آشنایی آنان با محیط و استفاده جامعه از نیروی انسانی آنها تحت عنوان « طرح کاد» را مورد تأیید قرار داده و مقرر گردید کلیه وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی همکاری‌های لازم در

اجرائی مدارس غیرانتفاعی و آیین‌نامه اجرایی طرح تقویت بنیه علمی رزمندگان و جانبازان برای ورود به موسسات آموزش عالی است (معاونت پژوهشی دفتر مطالعات فناوری‌های نوین، ۱۳۸۹).

### دولت راست مدرن و سیاست آموزش

در سال ۱۳۶۷ بعد از اتمام جنگ، جناح موسوم به «مصلحت‌اندیش»، «عمل‌گرا» یا «میانه» که در اواسط دهه ۱۳۶۰ شکل گرفته بود پس از پایان جنگ با به قدرت رسیدن علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی تحکیم شد. رفسنجانی از مشخص‌ترین شخصیت‌های گرایش مصلحت‌اندیش، استراتژی خود را بر دو مبنای، بازسازی اقتصادی و مصلحت‌اندیشی در سیاست خارجی قرار داد. کابینه وی ترکیبی از اعضای جناح میانه و جناح راست بودند (برزین، ۱۳۷۷). راست میانه از سال‌های ۷۶-۱۳۶۸ با تغییرات اجتماعی و سیاسی در عرصه کشور گفتمان جدیدی مبنی بر سازندگی، رفاه و توسعه و بازسازی اقتصادی شکل داد (بیژنی و همکاران، ۱۳۸۸). کارگزاران سازندگی رشد و توسعه اقتصادی را هدف اصلی اقتصاد دانسته و عقیده داشتند در سایه توسعه اقتصادی امکان استقلال و عدالت وجود دارد. به اعتقاد این گروه بدون رشد اقتصادی، مالی برای تقسیم کردن وجود ندارد (مرتجی، ۱۳۷۸). آن‌ها به شدت از توسعه به ویژه توسعه اقتصادی طرفداری کرده و آن را پیش شرط سایر امور نوسازی قلمداد کردند. گرچه معتقدند که فضای باز اقتصادی نیاز به فضای باز فرهنگی و سیاسی دارد اما آزادی مردم را تاحدی می‌خواهند که به توسعه لطمه نزنند (ظریفی‌نیا، ۱۳۷۸: ۱۰۸). جامعه اقتصادی مورد نظر طیف مدرن، کشورهای آسیای جنوب شرقی می‌باشد. تز

---

اجرای طرح مزبور را با وزارت آموزش و پرورش به عمل آورند. ضمن این‌که تصریح می‌شود، مصوبه قانون الزام فراگیری آموزش‌های فنی و حرفه‌ای برای اشتغال به کار در تاریخ ۱۳۷۶/۳/۱۱ از سوی مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید (برای آشنایی با متن این مصوبه بنگرید به معاونت پژوهشی دفتر مطالعات فناوری‌های نوین ۱۳۸۹).

«مالیات بده، خدمات بگیر» نشان بارز مدیریت اداری آن‌ها می‌باشد (ظریفی‌نیا، ۱۳۷۸: ۱۱۰). به گفته آبراهامیان (۱۳۸۹) در این دوره جریان منابع به سوی برنامه‌های توسعه‌ای هدایت شد: آموزش، بهداشت، برق‌رسانی، احداث راه‌های روستایی، نوسازی شهرها و پارک‌ها، متروی تهران و همچنین اجرای پروژه‌های سرمایه‌بر همچون فولاد، خودروسازی و پتروشیمی (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۳۲۰). درباره نقش دولت، بازار و اقتصاد در این دوره آمده است:

گرایش میانه که بیش از هرچیز دیوان سالار و فن‌سالار و بوروکراتیک است خود را پرچم‌دار اندیشه توسعه و پیشرفت اقتصادی می‌داند و برنامه‌های پنج‌ساله عمرانی کشور را چارچوب اساسی اجرای آن می‌شناسد. برنامه اقتصادی جناح میانه بر مبنای کاهش نقش دولت در اقتصاد کشور، تقویت بخش خصوصی (متکی و غیرمتکی به دولت) و افزایش مالیات بوده است. به همین دلیل سیاست «تعدیل اقتصادی» و سپس «تثبیت اقتصادی» را اجرا کرد<sup>۱</sup> که در واقع نوعی برداشت از راهنمایی‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ بود و مهم‌ترین جنبه‌های آن تک‌نرخ کردن ارز، از میان بردن تدریجی سوبسیدها و کوچک کردن دستگاه دولت و افزایش مالیات بود. جناح میانه که در کابینه رفسنجانی بویژه در پست‌های اقتصادی نفوذ قابل توجه داشت، با حمایت جناح راست که بیشتر در مجلس مسلط بود در اجرای این برنامه اقتصادی خود با مشکلات و مقاومت‌هایی روبرو شد که از سرعت و شدت برنامه کاست (برزین، ۱۳۷۷: ۶۱).

هر چند به باور مومنی «آن‌چه در چارچوب برنامه تعدیل به اجرا درآمد از بسیاری جهات ارتباطی ناچیز با برنامه پنج‌ساله مصوب نظام دارد» (مومنی، ۱۳۷۴:

---

۱- این باور وجود دارد که «در سال‌هایی که شعار کوچک کردن دولت و خصوصی‌سازی سر داده می‌شد، خصوصی‌سازی به حدود ۶۵ درصد رسید» (مومنی، ۱۳۸۴: ۱۴۳). درباره اجرا و تبعات اجرای برنامه تعدیل و تثبیت اقتصادی نیز مجادلات زیادی وجود دارد (در این باره بنگرید به مومنی، ۱۳۷۴).

۱۳۷) اما از آنجایی که در این مطالعه بخشی از درون داد سیاست آموزش بر سیاست‌های کلی بخش آموزش در قانون برنامه توسعه به عنوان ورودی قانونی متمرکز است، ما نیز برای بررسی سیاست آموزش در این دوره به آن توجه نموده‌ایم.

به هنگام تدوین برنامه اول توسعه اقتصادی - اجتماعی (۱۳۶۸-۱۳۷۲) اهم مشکلات و نارسایی‌های بخش آموزش و پرورش ایران شامل: غفلت از نقش زیربنایی آموزش و پرورش و عدم اهتمام به آن در جامعه، نارسایی قوانین و سازمان‌های اجرایی کشور در تنوع بخشیدن به طرق تأمین منابع مالی، توزیع نامتعادل منابع انسانی و سرمایه‌گذاری‌ها بین مناطق گوناگون کشور، فقدان متولی مشخص برای برنامه‌ریزی توسعه آموزشی، عدم کفایت حوزه پوشش نظام آموزش ابتدایی به کلیه کودکان و اجابت‌التعلیم به ویژه در بخش روستایی - عشایر مطرح گردید (متوسلی و آهنچیان، ۱۳۸۱: ۲۵۲). بر این اساس، اهداف کلان برنامه توسعه در حوزه آموزش شامل؛ تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش، فراهم کردن مقدمات طراحی تفصیلی و اجرای نظام جدید آموزش و پرورش، ایجاد امکانات آموزشی برای تمامی کودکان لازم‌التعلیم، توسعه فضاهای آموزشی و الویت دادن به ریشه‌کنی بیسوادی در اقشار مولد مطرح شد (در این باره بنگرید به قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ۱۳۷۳). در تشریح برنامه‌های دولت در بخش آموزش ابریشمی (۱۳۷۵) می‌نویسد:

در اولین برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۷۲-۱۳۶۸)، آموزش نیروی انسانی به عنوان مهمترین منبع توسعه مورد توجه قرارگرفت و تأمین امکانات لازم جهت آموزش افراد لازم‌التعلیم و ارتقای نسبت باسوادان در جمعیت ۶ تا ۳۵ سال به حدود ۹۷ درصد، ... از اهداف برنامه اعلام گردید. در برنامه تأکید شده بود سهم هزینه‌های آموزشی در کل هزینه‌های دولت که در سال ۱۳۵۶، ۹/۸ درصد و در سال ۱۳۶۷، ۲۱/۶ درصد بود در سال انتهایی برنامه به ۳۳/۴ درصد ارتقا خواهد یافت. به علاوه فعالیت بخش غیردولتی نیز مورد تشویق و

تأیید قرار گرفته و پیش‌بینی شده بود که تا سال ۱۳۷۲ مجموع دانش‌آموزان موسسات غیرانتفاعی آموزشی به ۶۱۴ هزار نفر برسد (ابریشمی، ۱۳۷۵: ۲۰۰).

رفسنجانی در دومین دوره ریاست جمهوری (در سال ۱۳۷۲) ضمن تأکید بر ادامه برنامه‌های خود در دوره اول، بر لزوم محوریت توسعه اقتصادی تلاش کرد. در سال آخر دور اول ریاست جمهوری او برنامه تعدیل اقتصادی به دلیل مشکلات متوقف شد و برنامه‌ای با عنوان تثبیت اقتصادی جایگزین آن گردید... برنامه دوم به جهت ساختاری و ماهیت تفاوت زیادی با برنامه اول نداشت و ادامه آن محسوب می‌شد (فوزی، ۱۳۸۴: ۲۴۳). در قانون برنامه دوم توسعه، آنچه به عنوان مهمترین هدف کیفی بخش آموزش و پرورش زیر عنوان پنجمین هدف کیفی برنامه دوم مطرح گردید شامل: تربیت نیروی انسانی از طریق گسترش آموزش، ارتقا کیفی نظام آموزشی کشور، تأکید بر مشارکت و همکاری هرچه بیشتر مردم در امور آموزشی و فنی، بهبود شاخص‌های کمی و کیفی و افزایش درصد سهم اعتبارات بخش‌های آموزشی و پرورشی، فنی و حرفه‌ای و آموزش عالی، بازنگری در سیستم آموزشی کشور و بکارگیری اعتبارات در جهت افزایش بازدهی علمی و ارتقا کیفیت آموزش و پرورش است. علاوه بر این ذیل اولین هدف کلان کیفی برنامه یعنی «تلاش در جهت تحقق عدالت اجتماعی» به مانند برنامه اول، بر زیر پوشش قراردادان تمام کودکان و نوجوانان لازم‌التعلیم و تقویت آموزش‌های عمومی تأکید شده است (در این باره بنگرید به قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ۱۳۷۵).

نکته قابل توجه این که در برنامه دوم توسعه، تأکید بر بازنگری در سیستم آموزشی کشور در حالی مطرح شده است که «طرح تغییر بنیادی آموزش و پرورش» در سال ۱۳۶۴ مطرح و بخش‌هایی از آن اجرا شده بود. علاوه بر این، سیاست «تأکید بر مشارکت و همکاری مردم در امور آموزشی» ادامه سیاست «فراهم ساختن زمینه‌های مشارکت فعال و مستمر مردم در آموزش و پرورش» از اهداف برنامه اول توسعه

غیرمصوب دولت موسوی و متعاقب آن تصویب آیین نامه اجرایی مدارس غیرانتفاعی در سال ۱۳۶۷ است.

مصوبه‌های حوزه آموزش در دوره رفسنجانی شامل؛ تأمین اعتبار جهت هزینه‌های آموزشی مربوط به تقویت بنیه علمی رزمندگان، فعالیت‌های پرورشی، تدوین کتاب درباره انقلاب اسلامی برای نوجوانان، آیین‌نامه سوادآموزی کارگران، مصوبه‌های مربوط به شرکت در همایش‌های بین‌المللی (از جمله کنفرانس عمومی یونسکو و کنفرانس جهانی آموزش)، اصلاح آیین‌نامه اجرایی مدارس غیرانتفاعی و تصویب مواردی در اجرای قانون تأسیس مدارس غیرانتفاعی، اجازه استخدام، آیین‌نامه تقویت علمی داوطلبان مناطق محروم و اجازه استفاده از خدمات بازنشسته‌ها در وزارت آموزش و پرورش است<sup>۱</sup> (معاونت پژوهشی دفتر مطالعات فناوری‌های نوین، ۱۳۸۹). پیداست که این مصوبه‌ها چندان نشان دهنده تحول بنیادین در نظام آموزش نیست. ضمن این‌که، آنچه به عنوان هدایت جریان منابع به سوی برنامه‌های توسعه و از جمله آموزش در این دوره مطرح شده و پیشتر با نقلی از آبراهامیان (۱۳۷۹) به آن اشاره کردیم، دست کم در حوزه آموزش، چندان متفاوت از دولت‌های دیگر نیست. به این موضوع در بخش بعدی تحلیل خواهیم پرداخت.

### دولت چپ مدرن و سیاست آموزش

در سال‌های ۸۴-۱۳۷۶ طیف جدیدی که پیش‌تر در جناح چپ سنتی حضور داشتند و پس از نقدهای درون گروهی آن موسوم به اصلاح‌طلبی سربرآوردند، به حفظ حقوق شهروندی و عقلانیت دینی تأکید داشتند (بیژنی و همکاران، ۱۳۸۸). اردوی اصلاح‌طلب شامل عمل‌گرایان میانه‌رو، لیبرال اسلامی و سکولاریست‌ها می‌شد. کارگزاران سازندگی میانه‌رو که خواستار اصلاحاتی در جهت بازار آزاد بودند از خاتمی

۱- این سیاست در دولت موسوی مطرح و پس از آن در دولت خاتمی نیز دنبال شد.

پشتیبانی می‌کردند و چندین نفر از رهبران‌شان در نخستین کابینه او سمت‌های مهمی یافتند (کدی، ۱۳۸۳: ۶۴). به باور ظریفی‌نیا (۱۳۷۸) در این دوره دولت خاتمی با رویکرد چپ مدرن، به سه بخش تعاونی، خصوصی و دولتی مندرج در قانون اساسی معتقد است. از نظر آن‌ها آزادی مردم تا حدی باید باشد که به عدالت اجتماعی لطمه نزند (با کمی تغییر در نگارش ظریفی‌نیا، ۱۳۷۸: ۱۲۱).

استراتژی چپ مدرن را می‌توان در باب توسعه اجتماعی با توجه به اندیشه‌های برگرفته از چپ [سوسیالیزم] به «جامعه مقتدر و دولت مقتدر» خلاصه کرد. بر اساس این نظریه راه‌کارهای «آزادی دولت» و «آزادی از دولت» به تنهایی قادر به پاسخگویی به شرایط ویژه کشور نمی‌باشد بلکه تلفیقی از این دو یعنی تلاش برای استقرار «دولت مقتدر» را در کنار ایجاد «جامعه مقتدر» بهترین راه‌حل برای حفظ ثبات سیاسی و پیشرفت تلقی می‌کنند (تاج‌زاده، ۱۳۷۰ به نقل از ظریفی‌نیا، ۱۳۷۸: ۱۲۵).

دولت خاتمی توسعه سیاسی را در اولویت برنامه‌های خود قرارداد. اما وی همزمان تلاش نمود تا با تنظیم یک طرح اقتصادی موسوم به «طرح ساماندهی اقتصادی» اصلاح ساختار اقتصادی کشور را نیز در نظر بگیرد (فوزی، ۱۳۸۴: ۳۲۰). این طرح بر قبول دیدگاه «اقتصادی - اجتماعی» و تقدم عدالت اجتماعی و صیانت از مردم و گروه‌های کم‌درآمد از سوی دولت و تأکید بر پرداخت یارانه‌ها و کمک به تأمین معاش و حفظ قدرت خرید مردم بود و با جهت‌گیری متفاوتی نسبت به قبل تنظیم شده بود.<sup>۱</sup> خاتمی در این باره گفت:

---

۱ - گسترش عدالت اجتماعی و رفع تبعیض یکی از رئوس برنامه رئیس‌جمهور بود که با کاهش شکاف فقر و غنی، مبارزه با فقر، مبارزه با رانت‌جویی و گسترش بیمه و تأمین اجتماعی و حمایت از بخش‌های کم‌درآمد در جامعه و تأمین حداقل معیشت مردم مطرح شده بود (انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۰: ۱۹۶).

در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی به ویژه دوره سازندگی مباحثات نظری درباره سیاست‌های اصلاح ساختار اقتصادی در جریان بود و چگونگی تنظیم سیاست‌های یاد شده و جهت‌گیری‌های آن یکی از دغدغه‌های اصلی سطوح عالی تصمیم‌گیری کشور به شمار می‌رفت. بحث چگونگی اجرای سیاست‌های اصلاحی و نحوه تنظیم سیاست‌های تعدیلی همراه با پاسخگویی به مقوله تأمین عدالت اجتماعی و انتخاب یکی از این دو گزینه که: اداره اقتصاد کشور و اصلاح ساختارهای آن همراه با صیانت از اقشار کم‌درآمد باشد و یا این‌که اصلاح ساختار اقتصادی بر تأمین عدالت اجتماعی اولویت داشته باشد اساسی‌ترین مباحث مورد بحث در حوزه اقتصاد بود (خاتمی، ۱۳۷۹: ۲).

به نظر کدی (۱۳۸۳) خاتمی در مواجهه با مسئله نیازهای تهیدستان و حمایت از آن‌ها در مواردی از نئولیبرالیسم روگردان شد. از خصوصی‌سازی خدمات اجتماعی گوناگون خودداری ورزید و یارانه‌ها را در مورد کالاهای ضروری حفظ کرد. همچنین حقوق کارکنان دولت را افزایش داد که برخی از آن‌ها مانند معلمان حقوق پایین‌تر از خط رسمی فقر دریافت می‌کردند (کدی، ۱۳۸۳: ۷۰). خاتمی خود بیان کرده است، «برای از بین بردن فقر باید کل جامعه ما فقیر نباشد، یعنی بنیه اقتصادی جامعه قوی باشد. از این‌رو، نیاز اصلی ما توسعه همه جانبه پایدار و متوازن است که باید در همه عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و علمی تحقق یابد» (خاتمی، ۱۳۷۹: ۱۹). از این مطلب دو نکته استنباط می‌شود، یکی این‌که شرط از بین بردن فقر و برقراری رفاه از طریق رشد اقتصادی ایجاد می‌شود، یعنی توسعه اقتصادی و بالا رفتن سطح رفاه همه مردم، شرط فقرزدایی در جامعه است. این برداشت از کاهش فقر با خط مشی لیبرالیستی رفسنجانی نزدیک است. نکته دوم این‌که، توجهی به نیاز اجتماعی و به عبارت روشن‌تر توسعه اجتماعی در این بیان دیده نمی‌شود و همان‌طور که گفته شد الویت خاتمی بر توسعه در ابعاد سیاسی و اقتصادی است. اما خاتمی در ادامه همین سخنرانی خود اشاره می‌نماید «میان توسعه و عدالت درهم آمیختگی و پیوستگی عمیقی وجود دارد؛ توسعه بدون عدالت و عدالت بدون توسعه یا سر از شکاف‌های عمیق



اجتماعی درمی‌آورد و یا به توسعه فقر می‌انجامد. نیاز اصلی ما تنها توسعه همه جانبه و پایدار و متوازن است که باید در همه عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و علمی تحقق یابد. در این توسعه انسان و نیروهای انسانی مبنای هستند. به این لحاظ پاسداری از حرمت آدمی و اندیشه او، صیانت از نیروی انسانی و بالا بردن سطح فرهنگ عمومی و آموزش عالی امری مهم است (خاتمی، ۱۳۷۹: ۲۰). از نظر خاتمی مسیر توسعه انسانی از طریق تجهیز افراد به آموزش و به ویژه آموزش عالی است. با این تاکید، گمان می‌رود سیاست آموزش از الویت‌های او است.

در برنامه سوم توسعه که توسط این دولت تدوین شد، فصل بیستم ماده ۱۴۲ تا ۱۵۱ به آموزش و پرورش عمومی و آموزش فنی و حرفه‌ای پرداخته است. تسهیلاتی به منظور جلب حمایت‌های غیردولتی، اصلاح ساختار نیروی انسانی با هدف بکارگیری نیروی انسانی مورد نیاز مناطق توسعه نیافته و محروم، تغییر تقویم آموزشی متناسب با شرایط اقلیمی و انحلال شورای آموزش‌های علمی و کاربردی سال ۱۳۶۹<sup>۱</sup>، تشکیل ستاد هماهنگی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، سیاست‌هایی درباره دیون و عملکرد صندوق ذخیره فرهنگیان<sup>۲</sup>، اجرای دوره‌های آموزشی ضمن خدمت و دوره‌های آموزشی برای مدیران<sup>۳</sup> (بنگرید به قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ۱۳۷۸) از جمله سیاست‌های دولت در این بخش است. برای تأمین عدالت آموزشی و رسیدگی بیشتر به مناطق نیازمند و کمتر توسعه یافته، نیمی از مواد قانون

---

۱- هماهنگی سیاست‌گذاری آموزش‌های فنی و حرفه‌ای قانون کارآموزی، شورای عالی کارآموزی مصوب سال ۱۳۴۹ مجلسین سنا و شورای ملی سابق، پس از آن به شورای عالی هماهنگی آموزشی و فنی و حرفه‌ای کشور مصوب سال ۱۳۵۹، شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران و شورای عالی آموزش‌های علمی و کاربردی مصوب سال ۱۳۶۹، شورای عالی انقلاب فرهنگی تغییر یافت و در نهایت در قانون برنامه سوم توسعه این شورا منحل و به ستاد هماهنگی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای تغییر یافت.

۲- صندوق ذخیره فرهنگیان در قانون برنامه پنج‌ساله دوم توسعه در سال ۱۳۷۳ با هدف تأمین بیشتر رفاه و ارتقای وضعیت معیشت فرهنگیان کشور به تصویب رسید.

۳- سیاست ارتقا کیفیت نیروی انسانی در برنامه اول توسعه مصوب نیز مطرح بود.

برنامه سوم در بخش آموزش و پرورش به تامین منابع مالی جدید، شامل معافیت‌های مالیاتی و اخذ عوارض از کالا و خدمات، تقویت صندوق ذخیره فرهنگیان و استفاده از اجاره دریافتی از اماکن و فضاهای آموزشی (در فرصت‌هایی که از آنها استفاده نمی‌کند) اختصاص یافته است<sup>۱</sup> (حج‌فروش، ۱۳۸۴). در طول برنامه سوم توسعه چالش‌ها و محدودیت‌های وزارت آموزش و پرورش از جمله: (۱) محدودیت منابع برای پاسخگویی به تقاضای اجتماعی برای حصول به آموزش و پرورش با کیفیت مورد نظر؛ (۲) نابرابری در دستیابی به فرصت‌های آموزشی؛ (۳) مشارکتی بودن ماهیت امر تعلیم و تربیت و فقدان نظام برنامه‌ریزی متناسب با این ویژگی؛ (۴) عدم توجه کافی به دوره آمادگی به عنوان پایه و اساس آموزش در دوره‌های بالاتر؛ (۵) عدم نگرش نظام‌مند به منابع انسانی آموزش و پرورش به عنوان اصلی‌ترین زیر ساخت جامعه؛ (۶) کاهش تدریجی انگیزه ادامه تحصیل در دوره‌های بالاتر به ویژه در میان پسران به سبب شرایط اقتصادی خاص جامعه...» (صافی، ۱۳۸۸: ۲۹-۲۸) مطرح شده است.

در برنامه توسعه چهارم که در دولت خاتمی تدوین و اجرای آن به دولت احمدی نژاد سپرده شد، مباحث مربوط به آموزش و پرورش در بعضی از بخش‌ها و فصول آن مطرح گردید. اما فصل چهارم این برنامه زیر عنوان «توسعه مبتنی بر دانایی» مستقیماً به آموزش و پرورش پرداخته است. در این فصل سیاست‌های کلی شامل؛ تضمین دسترسی به فرصت‌های برابر آموزشی به ویژه مناطق کمتر توسعه یافته، اجباری نمودن آموزش تا پایان دوره راهنمایی به تناسب تأمین امکانات و به تدریج در مناطقی که آموزش و پرورش اعلام می‌کند، تأمین اعتبار به منظور اتخاذ تدابیر جهت توسعه استقلال مالی واحدهای آموزشی و استفاده از توان اجرایی بخش غیردولتی، ایجاد طرح

۱- در بین این معافیت‌های مالیاتی دو درصد سهم عوارض و عواید کالاها و خدمات موضوع بندهای ۲ و ماده ۱۳ قانون شوراهای آموزش و پرورش مصوب سال ۱۳۷۲ قابل توجه است، لیکن متأسفانه دولت فقط ۳۰ درصد از این درآمد را به آموزش و پرورش می‌دهد. جای تعجب و سؤال است که با وجود اخذ این عوارض به نام عوارض آموزشی، لیکن چرا دولت ۷۰ درصد سهم این عوارض را از آموزش و پرورش سلب کرده است؟! (حج‌فروش، ۱۳۸۴).

راهبردی سوادآموزی کشور، مشارکت‌های مردمی و سازمان‌های غیردولتی به طوری که تا پایان برنامه چهارم باسوادی افراد به طور کامل تحقق یابد، است. علاوه بر این مواد ۱۴۹ و ۱۵۱ و ماده الف ۱۴۷ مربوط به برنامه سوم توسعه در این برنامه نیز تنفیذ گردید (در این باره بنگرید به قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ۱۳۸۵). دیده می‌شود، عمده سیاست‌های آموزش مورد نظر دولت چپ مدرن در چارچوب توسعه مبتنی بر دانایی تاکید بر سیاست‌هایی است که تا آن زمان از اهداف سیاست آموزش در ایران بوده‌اند.

مصوبه‌های دولت خاتمی با رویکرد چپ مدرن در بخش آموزش شامل؛ آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیل شوراهای آموزش و پرورش، اجازه استخدام، تخصیص اعتبار برای هزینه کلاس برگزار شده مهاجرین افغان، تشکیل کارگروه ارائه راه‌کار برای تحقق اهداف آموزش برای همه، برگزاری گردهمایی بین‌المللی سوادآموزی، آیین‌نامه اجرایی الزامی بودن آموزش تا پایان دوره راهنمایی، موافقت‌نامه تأسیس دفتر آیسسکو و تعیین سطح تحصیلات معلمان و مربیان برای تدریس می‌باشد (معاونت پژوهشی دفتر مطالعات فناوری‌های نوین، ۱۳۸۹). در سال ۱۳۸۱ وزیر وقت آموزش و پرورش - مرتضی حاجی - طرح مهندسی اصلاحات آموزشی را مطرح کرد<sup>۱</sup>. اهم برنامه‌های اصلاحی این طرح عبارت بود از: بازنگری اساسی در برنامه‌های درسی، اصلاح روش‌های پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، تقویت جایگاه تربیت، اجرای مدیریت مشارکت مدرسه محور، اصلاح ساختار تشکیلات حوزه ستادی با رویکرد تمرکززدایی، پژوهش محوری در برنامه‌ها، ضابطه‌مند کردن انتصاب مدیران بر اساس شایسته‌سالاری،

---

۱- در همین زمان ( ۱۳۸۱/۸/۲۳ ) مجلس شورای اسلامی اصلاح قانون تشکیل شورای عالی آموزش و پرورش را تصویب کرد. بر اساس این قانون شورای یاد شده به عنوان مرجع سیاست‌گذاری در حوزه وظایف آموزش عمومی و متوسطه در چارچوب سیاست‌های کلی نظام و قوانین و مقررات موضوعه تعیین شد و سازمان اداری آن به عنوان دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش با بودجه و تشکیلات مستقل و زیر نظر این شورا فعال گردید (آفازاده، ۱۳۸۸: ۳۰-۳۱).

تقویت منابع مالی آموزش و پرورش و اصلاح نظام جدید استخدام و ارزشیابی کارکنان» (آفازاده، ۱۳۸۸: ۲۳). هرچند برخی از سیاست‌های آموزش در این دولت توسط دولت‌های پیشین مطرح نبود، اما سیاست‌های اصلاحی دولت اصلاحات در حوزه آموزش کشور در ادامه سیاست‌های دولت‌های پیشین و در موارد زیادی تکرار همان سیاست‌های محقق نشده و یا کمتر تحقق یافته است.

### دولت اصول‌گرای رادیکال و سیاست آموزش

در سال‌های ۸۸-۱۳۸۴ رویکردی از درون راست سنتی سربرآورد. برنامه جدید آن رجعت به دوران طلایی انقلاب اسلامی و ارزش‌های گذشته بود و برای کشور تلفیقی از اسلام سیاسی رادیکال دوره امام و اندیشه‌های محافظه‌کاری سنتی را ضروری می‌دانست. مهم‌ترین مؤلفه‌های این رویکرد، معنویت، عدالت، مهرورزی، دولت اسلامی، مبارزه با رفاه‌طلبی، توجه به اقشار محروم، ... بوده است (بیژنی و همکاران، ۱۳۸۸). این دولت موسوم به دولت اصول‌گرای رادیکال<sup>۱</sup> با ریاست محمود احمدی‌نژاد، «با توجه به طبقه و پایگاه اجتماعی این گروه که اغلب از رده پایین جامعه هستند و با اذعان به محرومیت‌های فرهنگی اقتصادی، ایده‌آل خود را تنها در قالب احیای تفکر بسیجی و اسلامی می‌بیند و در این راه هم به چپ می‌تازد و هم به راست (ظریفی‌نیا، ۱۳۷۸: ۱۱۸). مشخصه دولت اصول‌گرای رادیکال «بازگشت به توده‌ها» (کیهان،

۱- این دولت به دولت خدمتگزار، عدالت خواه، توزیع‌گرا و راست انقلابی التقاطی نیز اشتهار دارد. به گفته الهام (۱۳۸۶) «رأس جریان اصولگرایی رهبر است و با توجه به چپ‌ساز سیاسی جامعه در حوزه مدیریت اجرایی و سیاسی آقای احمدی‌نژاد در ظل رهبری رأس جریان اصولگرا به حساب می‌آیند و هدایت سیاسی جریان اصولگرا با رئیس‌جمهور به اعتبار شخصیت حقوقی‌شان است. طیف‌های اصولگرا برای توفیق در عرصه سیاست باید خود را با احمدی‌نژاد هماهنگ و منطبق کنند» (الهام، ۱۳۸۶). نظر دیگری که در این باره وجود دارد این است که، «اگرچه دولت نهم متعلق به جریان فکری نیرومند و با سابقه اصولگرا است اما نمی‌توان مهر هیچ یک از احزاب و گروه‌های این جریان را بر پیشانی دولت کنونی زد» (اسکندری، ۱۳۸۵: ۱).

۱۳۸۴/۱۰/۲۲) است. طبق گفته سخنگوی دولت نهم (غلامحسین الهام) اصولگرایان بر اقتصاد عدالت محور اسلامی تأکید دارند. اقتصادی که نه دولتی و نه سرمایه‌داری بلکه اقتصادی مردمی و بر پایه عدالت است (الهام، ۱۳۸۶). هرچند از جنبه نظری و عملکردی، «عدالت» مبهم و غیرشفاف است اما مهمترین شعارها و تبلیغات دولت در این دوره است. به نظر آبراهامیان «محمود احمدی نژاد خود را مدافع و پشتیبان مستضعفین و همچنین اصول‌گرا و آبادگر - دو اصطلاح جدید - نامید و افزایش حقوق و دستمزدها به ویژه برای آموزگاران و کارمندان دولت، کاهش فقر، مقابله با بیکاری و کمبود مسکن، دادن وام به زوج‌های جوان، عدالت اجتماعی برای توده‌ها و به ویژه جبهه‌رفتگان و از همه قاطعانه‌تر از میان بردن فساد را که از نظر بسیاری بدنه سازمان سیاسی کشور را در معرض خطر قرارداداده بود، را وعده داد. وی مدعی شد که سرمایه‌داران جدید و همچنین بازماندگان هزارفامیل توده‌های مردم را غارت کرده‌اند (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۳۳۶).

در بخش آموزش، مصوبه‌های دولت اصولگرای رادیکال شامل تعیین اعتبار - به منظور مقاوم‌سازی مدارس، ایجاد تسهیلات آموزشی برای آزادگان و جانبازان و خانواده‌های آنها، برگزاری گردهمایی بین‌المللی سیمای پیامبر اعظم، اجرای طرح قرآن و آموزش و پرورش - ، آیین‌نامه پرداخت مطالبات معوق کارکنان سازمان آموزش و پرورش، تصویب‌نامه تشکیل کارگروه حل معضلات آموزش و پرورش، تعیین اصول و چارچوب برنامه آموزش پیش‌دبستانی، اساسنامه سازمان مدارس غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی، آیین‌نامه توسعه مشارکت‌های مردمی و اجرای آزمایشی آیین‌نامه ارزشیابی پیشرفت تحصیلی است (معاونت پژوهشی دفتر مطالعات فناوری‌های نوین،

۱۳۸۹). همان‌گونه که مشاهده می‌شود، این مصوبه‌ها تنها بخش اندکی از اهداف کلان آموزش مطرح در برنامه چهارم توسعه را دنبال نموده‌اند.<sup>۱</sup>

علاوه بر مصوبه‌های اجرا شده در این دولت، رویکرد آن به سیاست آموزش از طریق مطالعه برنامه پنجم توسعه که توسط این دولت تدوین شده است قابل پیگیری است. در برنامه پنجم توسعه هر چند به طور مشخص و منفک به آموزش عمومی پرداخته نشده است، اما در فصل اول ذیل سیاست‌های کلی با هدف ارتقا کیفی سه حوزه دانش، مهارت و تربیت اسلامی، ماده ۱۹، ۲۱ و ۲۲ سیاست‌های دولت در حوزه آموزش و پرورش مطرح شده است. از جمله این سیاست‌ها؛ برنامه تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش، افزایش سهم اعتبارات غیرپرسنلی به پرسنلی وزارت آموزش و پرورش توسط دولت، تقویت گویش محلی و ادبیات بومی در مدارس، تضمین دسترسی به فرصت‌های عادلانه آموزشی، تأمین نیازهای ویژه گروه‌های گوناگون آموزش. و نیز تأمین سازوکارهایی برای گسترش شایستگی حرفه‌ای افزایش دانش و مهارت از طریق استمرار نظام کارآموزشی در دوره متوسطه و فنی و حرفه‌ای علمی و کاربردی، تأمین فضای فیزیکی و کالبدی و حضور مؤثر بخش غیردولتی در توسعه آموزش‌های رسمی و غیررسمی و علمی و کاربردی، افزایش مشارکت بهره‌برداران از آموزش فنی و حرفه‌ای، هماهنگی در سیاست‌گذاری در برنامه‌ریزی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، رتبه‌بندی مراکز آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاربست چارچوب صلاحیت‌های حرفه‌ای ملی است. (قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و

---

۱- از جمله سیاست‌های مطرح در برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که در این دوره مصوبه‌های آن به تصویب دولت اصولگرای رادیکال احمدی‌نژاد رسید می‌توان از: توسعه مدارس مشارکتی و هیات امنایی، توسعه و بهبود وضعیت آموزش و پرورش عمومی پیش‌دبستانی، مقاوم سازی مدارس، استانداردسازی و بهبود کیفیت ارزشیابی تحصیلی را نام برد (بنگرید به مجموعه اسناد ملی توسعه برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ۱۳۸۵: ۱۵-۱۸).

فرهنگی، ۱۳۹۰). به طور کلی می‌توان دو هدف عمده در سیاست‌های دولت اصولگرای رادیکال در بخش آموزش عمومی مطرح کرد: اول، تحول بنیادی مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی و دوم، تأکید بر استمرار کارآموزی و کارورزی در جهت تأمین نیروی انسانی در سطوح گوناگون مهارتی. توجه دولت اصول‌گرا به استمرار کارورزی به بیانی همان بازگشت به سیاست نه چندان موفق «طرح کاد» در دوره چپ سنتی است.

بررسی درون‌داد سیاست آموزش در دولت‌های چهارگانه از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۸ ش. از بُعد برنامه‌ها و سیاست‌های قانونی نشان داد که این سیاست‌ها با وجود داشتن تغییرات جزئی، استمرار و تکرار برنامه‌های پیشین است. این تکرار تا جایی است که عبدالهی می‌نویسد «بین شیوه برنامه‌ریزی به کار گرفته شده در سه تجربه برنامه‌ریزی (برنامه‌های اول، دوم و سوم توسعه) تفاوت محسوسی از نظر اصول کار مشاهده نمی‌شود، هر چند که از نظر پاره‌ای جزئیات و شیوه‌های محاسباتی در میان آن‌ها تفاوت‌هایی به چشم می‌خورد. (عبداللهی، ۱۳۸۹: ۲۳۴). در تأیید همین موضوع، آقازاده می‌نویسد: «بررسی تحولات آموزش و پرورش در ایران نشان می‌دهد که به علت نبود فرایند ارزیابی از نتایج و پیشرفت هر یک از مراحل اجرای برنامه‌های اصلاحی و سرانجام فقدان ضمانت‌های اجرایی، قانونی و مالی، دست‌اندرکاران امر تعلیم و تربیت ناگزیر به دوباره‌کاری در امر اصلاحات شده‌اند»<sup>۱</sup> (آقازاده، ۱۳۸۸: ۲۴). در این راستا، بررسی سیر تحولات آموزش و پرورش در ایران نشان می‌دهد، یکی از اهداف اساسی آموزش و پرورش در گذشته و در حال حاضر تأمین حق بهره‌مندی افراد از آموزش و

---

۱- مثلاً اگر در ۱۲۹۰ ش. با تصویب قانون تعمیم آموزش و پرورش توسعه مدارس برنامه‌ریزی می‌شد و زمینه‌های اجرایی و مالی برای تحقق عملی این قانون فراهم و امکانات آموزشی به گونه‌ای برابر در مناطق شهر و روستا توزیع می‌شد، دیگر لازم نبود برای اجرای آموزش اجباری در مرداد ۱۳۳۲ یا طی سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۴۱ و سال‌های بعد از ۱۳۵۶ یعنی در سال ۱۳۷۳ طی برنامه پنج‌ساله توسعه آموزش و پرورش (۱۳۷۳-۱۳۷۷) دوباره یا برای بار چندم قوانینی به همین نام به تصویب رسد (آقازاده، ۱۳۸۸: ۲۴-۲۵).

پرورش بوده است.<sup>۱</sup> در قانون اساسی جمهوری اسلامی طبق اصل ۳۰ بر این حق و وظیفه دولت در تأمین آن تأکید شده است:

دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد.<sup>۲</sup>

۱- نظام رسمی آموزش و پرورش در ایران با تاسیس مدرسه دارالفنون آغاز شد. سنگ بنای این مدرسه با همت امیرکبیر در سال ۱۲۶۶ ق. (۱۲۲۵ ش.) گذاشته شد. در سال ۱۲۷۲ ق. (۱۲۳۱ ش.) چهارسال پس از تأسیس دارالفنون، «وزارت علوم و معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه» به ریاست علی قلی میرزا (اعتضادالسلطنه) تأسیس شد. در سال ۱۳۲۸ ق. (۱۲۸۶ ش.) مجلس شورای ملی قانون اداری «وزارت علوم و معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه» را تصویب کرد و رسیدگی به امور تمام مدارس و تعلیمات مملکت به این وزارتخانه سپرده شد. در خرداد ۱۳۱۴ ش. که فرهنگستان ایران تأسیس شد واژه «فرهنگ» به جای «معارف» معرفی شد و «وزارت علوم و معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه» در سال ۱۳۱۷ ش. به «وزارت فرهنگ» تغییر کرد. در آذر ماه ۱۳۴۳ ش. وزارت فرهنگ به دو وزارتخانه «وزارت آموزش و پرورش» که مسئولیت تعلیم و تربیت افراد را از دوره ابتدایی تا آموزش عالی برعهده گرفت و «وزارت فرهنگ و هنر سازمان اوقاف» که اداره کلیه امور هنری، موزه‌ها، کتابخانه‌ها و غیره را عهده‌دار شد. در بهمن ۱۳۴۶ ش. وزارت آموزش و پرورش به وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم و آموزش عالی تقسیم شد (صفوی، ۱۳۸۰).

۲- در قانون اساسی مشروطیت در سال ۱۳۲۴ ق. (۱۲۸۵ ش.) در اصول هجدهم و نوزدهم خود اعلام کرد: تحصیل و تعلیم علوم و معارف و صنایع آزاد است مگر آن‌چه که شرعاً ممنوع باشد، و تأسیس مدارس با مخارج دولتی و تحصیل اجباری باید مطابق قانون وزارت علوم و معارف مقرر شود و تمام مدارس و مکاتب باید در تحت ریاست عالی و مراقبت وزارت علوم و معارف باشند (به نقل از صافی، ۱۳۸۸: ۵۰). متمم قانون اساسی مصوب ۱۲۹۰ ش. تأکید کرده است: همه کودکان صرف نظر از اصل و نسب و وضع خانوادگی و اجتماعی در قبال تربیت حق مساوی دارند و باید به طور مساوی و تا آن‌جا که شخصیت و استعدادشان مجال می‌دهد، از امکانات رشد کامل شخصیت بهره‌مند شوند و هیچ چیز به جز استعداد و توانایی آنان نباید راه ترقی و کمال را بر فرزندان این آب و خاک مسدود سازد (به نقل از آفازاده، ۱۳۸۸: ۵۶). نکته موردتوجه این‌که در سال ۱۲۸۶ ش. قانون تحصیل اجباری و در سال ۱۳۲۲، ۱۳۳۱، ۱۳۵۰ و نیز ۱۳۵۳ آموزش اجباری و مجانی به تصویب دولت‌های آن وقت رسیده است و قانون آموزش رایگان و اجباری موضوع جدیدی در قانون اساسی جمهوری اسلامی نبود.



شواهد نشان می‌دهد، با وجود افزایش نرخ باسوادی و گسترش پوشش تحصیلی کودکان لازم‌التعلیم، نظام آموزش در ایران با مشکلات متعددی روبرو است. کمبود امکانات آموزشی، توزیع نامناسب اعتبارات در سطح کشور، پایین آمدن استانداردهای کیفی و کمی آموزشی در کلیه سطوح تحصیلی، به ویژه در دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی، پیدایش عدم تعادل میان عرضه و تقاضای خدمات آموزشی و خطر بیکاری فارغ‌التحصیلان موسسات آموزشی (ابریشمی، ۱۳۷۵: ۱۳۸-۱۳۷؛ پیوندی، ۱۳۸۷؛ میر آشتیانی، ۱۳۸۲: ۲۱۶-۲۱۲؛ دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۲: ۳۸؛ صراف و بزرگیان، ۱۳۸۵: ۲؛ آقازاده، ۱۳۸۸: ۲۵ و صافی، ۱۳۸۸: ۲۶-۲۳) نمونه‌هایی از مشکلات آموزش در ایران است. چنان‌که بیان می‌شود، مسائل آموزش و پرورش هنوز یکی از پانزده مشکل در اولویت مشکلات اجتماعی در ایران است (بنگرید به رفیعی و دیگران، ۱۳۸۷). مصوبه در خصوص «تشکیل گارگروهی جهت حل معضلات آموزش و پرورش در جلسه مورخ ۱۳۸۷/۱۰/۸ هیأت وزیران» و پیش‌تر از آن مصوبه «تشکیل کارگروه ملی آموزش و پرورش به منظور تحقق اهداف و تعهدات برنامه آموزش برای همه» به کمیسیون فرهنگی هیأت دولت مورخ ۱۳۸۲/۶/۳ (معاونت پژوهشی دفتر مطالعات فناوری‌های نوین، ۱۳۸۹) گواهی بر وجود مشکلات در بخش آموزش کشور است که به نظر پیوندی (۱۳۸۷) «هنوز اصلاحات جدی برای حل آن‌ها به چشم نمی‌خورد»<sup>۱</sup> شاهد این ادعا را تا آن‌جا می‌توان پی‌گرفت که در برنامه پنجم توسعه نیز

---

۱- در تاریخ ۱۳۶۴/۱۲/۲۰ طی مصوبه‌ای برای «تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش» از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی به وزارت آموزش و پرورش ابلاغ شد. کلیات این طرح که توسط «شورای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش» به تأیید رسیده بود مأمور پیگیری امور در هفت کمیسیون از جمله ۱. پیش‌دبستانی و دبستانی، ۲. دوره راهنمایی تحصیلی، ۳. دوره متوسطه فراگیر و فنی و حرفه‌ای، ۴. تأمین و تربیت نیروی انسانی، ۵. نظام اداری و تشکیلاتی، ۶. برنامه‌ریزی توسعه، ۷. فعالیت‌های تربیتی شد. اما پس از گذشت چند ماه کمیسیون به این نتیجه رسید که اجرای هم‌زمان طرح‌ها و تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش امکان‌پذیر نیست پس به طور انتخابی و نظر به اهمیت دوره متوسطه تغییرات جدیدی در دوره متوسطه آغاز شد و دوره راهنمایی و ابتدایی از حیث شکل به صورت قبلی باقی ماند (صفوی، ۱۳۸۰: ۱۲۴ و ۱۲۵). تغییر در نظام

همچنان به تحول در نظام آموزش و پرورش با هدف ارتقای کیفی آن براساس نیازها و اولویت‌های کشور در سه حوزه دانش، مهارت و تربیت و نیز افزایش سلامت روحی و جسمی دانش‌آموزان اشاره شده است. این در حالی است که در چهار برنامه توسعه پیشین نیز این سیاست یکی از اصلی‌ترین سیاست‌های دولت‌ها در بخش آموزش بوده است.

هر چند به باور پتریک «در هر زمانی احتمالاً میزانی از همگرایی و نیز تباین را در تحولات سیاست‌گذاری می‌توان شناسایی کرد» (پتریک، ۱۳۸۵: ۴۲۳)، اما تحلیل سیاست آموزش دولت‌های چهارگانه، نشان داد نه تنها برنامه‌های اول، دوم و سوم توسعه در حوزه سیاست آموزش تفاوتی ندارند، بلکه برنامه چهارم و پنجم نیز با تفاوتی اندک، در پی دستیابی به همان اهداف محقق نشده یا کمتر تحقق یافته پیشین

متوسطه سبب شد از سال ۱۳۷۲-۱۳۷۰ این دوره از ۴ سال به ۳ سال کاهش یابد. دانش‌آموزانی که خواهان راه یافتن به آموزش عالی هستند باید یک دوره یکساله پیش‌دانشگاهی را طی کنند. از سوی دیگر نظام درسی در دبیرستان‌ها براساس الگوی آمریکایی به صورت واحدی درآمده است. با این تفاوت که در کشوری مانند آمریکا حجم و تعداد مطالب درسی بسیار کمتر است و نظام واحدی به دانش‌آموز کمک می‌کند در انتخاب دروس مورد علاقه و نیز چگونگی سازماندهی ساعات روزانه خود آزادی عمل بیشتری داشته باشد. اما در مورد ایران، حجم زیاد دروس و تعداد واحدهای اختیاری در عمل برای دانش‌آموز امکان انتخاب و داشتن وقت آزاد بیشتر را منتفی می‌کند. شاید تنها امتیاز چشمگیر این الگو برای دانش‌آموز از بین رفتن مردودی در کلاس و در نتیجه امکان انتخاب مجدد واحدهایی است که در آن‌ها نمره قبولی را به دست نیاورده است. به این ترتیب، بُعد اقتصادی و صرفه جویانه سازماندهی جدید بیش از ابعاد تربیتی و آموزش آن مورد توجه قرار گرفته است. تغییر مهم دیگر در ساختار آموزش ایران در ۲۰ سال گذشته کنار گذاشتن آموزش کودکانی توسط دولت بوده است. با آن‌که پژوهش‌های بی‌شماری بر نتایج بسیار مثبت آموزش پیش‌دبستانی بر روندهای یادگیری آینده کودکان تأکید می‌کنند، مسئولان آموزش و پرورش پس از سال ۱۳۵۷ با این بخش از آموزش از در مخالفت درآمدند. برای بسیاری از آنها آموزش پیش‌دبستانی با آزاد کردن زنان از کار خانه و نگهداری بچه می‌توانست به تشویق آن‌ها برای کار بیرون از خانه و یا گسترش حضور آنان در عرصه اجتماع منجر شود. در نتیجه، سال‌های ۱۳۶۴-۱۳۷۵ دوران کاهش شدید شمار این گونه مراکز آموزشی بود. در عمل، توسعه کودکان‌ها در سال‌های بعدی مدیون سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و اقبال خانواده‌هایی بوده است که ناچارند راه حلی برای نگهداری فرزندان کوچک خود بیابند (پیوندی، ۱۳۷۶).

است. این در حالی است که به نظر صراف و بزرگیان (۱۳۸۴)، به سه مقوله «دسترسی متعادل به فرصت‌های برابر آموزشی»، «کیفیت فعالیت‌های آموزش و پرورش» و در نهایت تنها راه‌حل‌رهایی از مسائل و مشکلات مالی یعنی «مدیریت منابع» توجه عملیاتی نشده است (صراف و بزرگیان، ۱۳۸۴: ۳). جدول ۲ سیاست‌های آموزش و اهداف این سیاست‌ها در دولت‌های چهارگانه از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۸ش. را نشان می‌دهد.

جدول ۲- سیاست‌های آموزش و اهداف این سیاست‌ها در دولت‌های چهارگانه از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۸ش.

دولت	سیاست آموزش	هدف سیاست آموزش
چپ سنتی موسوی	<ul style="list-style-type: none"> <li>• گسترش آموزش عمومی و ریشه‌کنی بی‌سوادی</li> <li>• اصلاح نظام آموزشی دوره راهنمایی و دبیرستان جهت انطباق با نیازهای اقتصادی و اجتماعی</li> <li>• الویت آموزش فنی و حرفه‌ای</li> <li>• جلب مشارکت‌های مردمی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• آموزش همگانی و ارتقای سطح سواد</li> <li>• عدالت توزیعی در امکانات آموزشی</li> <li>• تامین نیروی انسانی متناسب با نیازهای اقتصادی و اجتماعی</li> </ul>
راست مدرن رفسنجانی	<ul style="list-style-type: none"> <li>• آموزش افراد لازم‌التعلیم</li> <li>• ارتقا کمی و کیفی آموزش</li> <li>• افزایش اعتبارات آموزش فنی و حرفه‌ای</li> <li>• جلب مشارکت مردمی و بخش غیردولتی و گسترش این بخش</li> <li>• عدالت آموزشی در مناطق نیازمند</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• آموزش همگانی و ارتقای سطح سواد</li> <li>• عدالت توزیعی در امکانات آموزشی</li> <li>• تامین نیروی انسانی متناسب با نیازهای اقتصادی و اجتماعی</li> </ul>
چپ مدرن خاتمی	<ul style="list-style-type: none"> <li>• اصلاح و تحول نظام آموزشی</li> <li>• دسترسی به فرصت‌های برابر آموزشی</li> <li>• اجباری کردن دوره راهنمایی تحصیلی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• آموزش همگانی و ارتقای سطح سواد</li> <li>• عدالت توزیعی در امکانات</li> </ul>

آموزشی	<ul style="list-style-type: none"> <li>گسترش بخش غیردولتی</li> <li>تامین نیروی انسانی متناسب با نیازهای اقتصادی و اجتماعی</li> </ul>	
<ul style="list-style-type: none"> <li>تحول بنیادی</li> <li>تامین نیروی انسانی در سطوح گوناگون مهارتی</li> <li>عدالت توزیعی در امکانات آموزشی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>تضمین فرصت‌های عادلانه</li> <li>افزایش مهارت از طریق استمرار نظام آموزش فنی و حرفه‌ای</li> <li>جلب مشارکت‌های غیردولتی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>اصول‌گرای رادیکال</li> <li>احمدی‌نژاد</li> </ul>

علاوه بر تحلیل کیفی که بر اساس سیاست‌های قانونی دولت‌های چهارگانه در حوزه آموزش انجام شد، سیاست آموزش از بعد هزینه اجتماعی با کاربرد شاخص «هزینه آموزش از تولید ناخالص داخلی» مورد بررسی قرار گرفت. میانگین سیاست آموزش برای دولت‌های چهارگانه به ترتیب، دولت چپ سنتی برابر با ۳.۹۴ دولت راست مدرن برابر با ۳.۳۸ دولت چپ مدرن برابر با ۳.۳۰ و دولت اصول‌گرای رادیکال برابر با ۳.۷۱ است.

جدول ۳- رویکرد دولت و میانگین هزینه آموزش از تولید ناخالص داخلی

رویکرد دولت	میانگین	کمینه	بیشینه	انحراف معیار
چپ سنتی	۳.۹۴	۳.۲۵	۶.۷۵	۱.۱۸
راست مدرن	۳.۳۸	۲.۹۱	۴.۰۴	.۳۸
چپ مدرن	۳.۳۰	۳.۰۳	۳.۶۹	.۲۱
اصولگرا	۳.۷۱	۳.۲۱	۴.۹۰	.۶۷
کل	۳.۵۷	۲.۹۱	۶.۷۵	.۷۳

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود میانگین سیاست آموزش دولت‌های چهارگانه تفاوت اندکی با یکدیگر دارند. اما برای این که دریابیم اختلاف میان این دولت‌ها در سیاست آموزش معنادار است یا خیر؟ از آزمون تحلیل واریانس یک سویه به شرح جدول ۴ استفاده کرده‌ایم.

جدول ۴- آزمون تحلیل واریانس سیاست آموزش دولت‌های چهارگانه از سال

۱۳۶۰ تا ۱۳۸۸ ش.

سطح معناداری	بهره (F)	مربع میانگین	درجه آزادی	مجموعه مربعات	
۰.۱۹۴	۱.۶۹۶	۰.۸۸۱	۳	۲.۶۴۳	بین گروه‌ها
		۰.۵۱۹	۲۴	۱۲.۴۶۲	درون گروه‌ها
			۲۷	۱۵.۱۰۵	کل

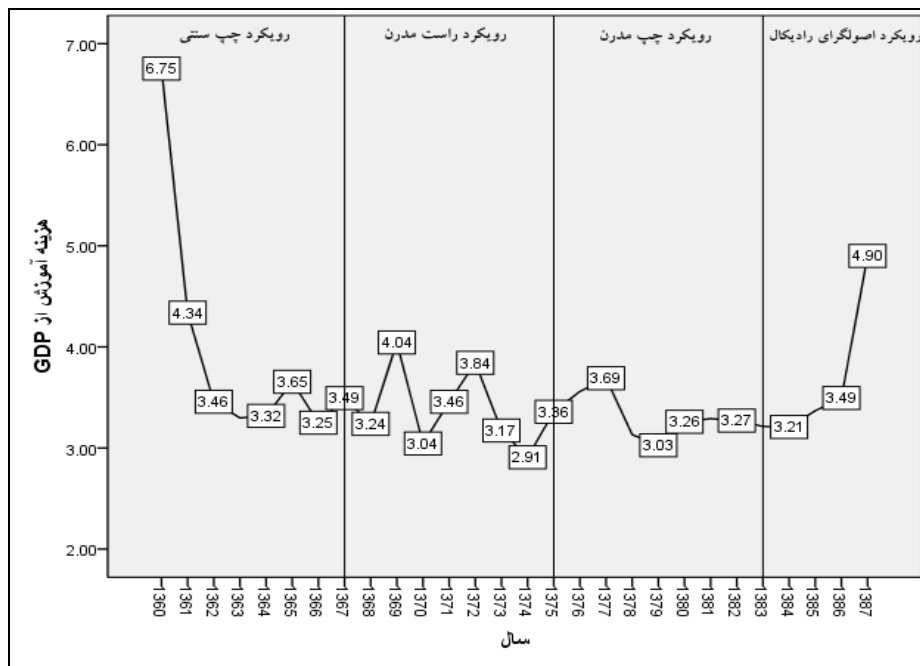
نتیجه آزمون تحلیل واریانس ( $F = ۱/۶۹۶$ ,  $df = ۳$ ,  $sig = ۰/۱۹۴$ ) اختلاف معناداری بین گروه‌ها و درون گروه‌ها نشان نمی‌دهد. اما برای اطمینان از این رابطه با استفاده از آزمون مجذور/تا<sup>۱</sup> ( $\eta^2$ ) میزان اندازه اثر<sup>۲</sup> را محاسبه نمودیم. در واقع این آزمون مقدار واریانس متغیر وابسته را بر حسب سطوح متغیر مستقل پیش‌بینی می‌کند (تاباچنیک و فیدل، ۱۹۹۶: ۵۳) و نیرومندی رابطه بین دو متغیر را نشان می‌دهد. برای محاسبه مجذور/تا

<sup>۱</sup>. Eta Squared

<sup>۲</sup>. Effect size

باید مجموع مربعات بین گروه‌ها (۲/۶۴۳) را بر کل مجموع مربعات (۱۵/۱۰۵) بخش کنیم<sup>۱</sup> (در این باره بنگرید به ساعی، ۱۳۸۱). در اینجا نسبت مجذور اتا برابر با ۱۷٪ است<sup>۲</sup> که اندازه اثر زیاد را نشان می‌دهد. در واقع اگرچه بر مبنای آزمون تحلیل واریانس اختلافی میان رویکرد دولت‌های چهارگانه و سیاست آموزش آنها به چشم نمی‌خورد اما رویکرد دولت سهمی برابر ۱۷ درصد در تبیین سیاست آموزش در بعد هزینه اجتماعی را دارا می‌باشد. نمودار ۱ نوسان هزینه آموزش را بر حسب سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۸ ش. در دولت‌های چهارگانه نشان می‌دهد.

نمودار ۱. هزینه آموزش از تولید ناخالص ملی از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۸ ش.



$$1. \eta^2 = \frac{SS_{effect}}{SS_{total}}$$

۲- مقدار اندازه اثر می‌تواند از ۰ تا ۱ متغیر باشد. کوهن، قوت اندازه اثر را به سه مقوله اثر اندک برابر با ۰/۱، اثر متوسط برابر با ۰/۶، و اثر زیاد برابر با ۰/۱۴ تفکیک می‌کند (کوهن، ۱۹۸۸).

در مجموع اگر بپذیریم، رویکرد دولت‌های چهارگانه متفاوت بوده است، اما به نظر می‌رسد که سیاست آموزش در چارچوب این رویکردها تعیین نشده است. نکته مورد توجه این که، «همواره در طول برنامه‌های توسعه، قوانین بودجه سنواتی به عنوان محورهای اصلی در حد شعار مدنظر بوده و این مقوله‌ها همواره فاقد بُعد عملیاتی در برنامه‌های توسعه و بودجه سنواتی بوده است» (صراف و بزرگیان، ۱۳۸۴: ۳). فقدان سیاست‌گذاری همه‌جانبه و عدم تخصیص هزینه اجتماعی لازم در بُعد آموزش یکی از عوامل توسعه ناهماهنگ آموزش در کشور و پایین بودن استانداردهای کیفیت تحصیل مطرح شده است (در این باره بنگرید به روزنامه کارگزاران، ۱۶ مهر ۱۳۸۷؛ پیوندی، ۱۳۸۷). تا جایی که دولت برای حل بحران مالی به سوی یافتن جلب مشارکت بخش خصوصی سوق یافت. بدین ترتیب آموزش خصوصی که در پی انقلاب و نیز بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ممنوع شده بود، بار دیگر در قالب مدارس غیرانتفاعی تجدید حیات کرد. بنابراین توجه به این موضوع ضروری است که گسترش میزان باسوادی در ایران را تنها متکی بر نقش دولت و سیاست‌های آموزش در این دوره تلقی نکرده و به نقش عوامل و تعیین‌کننده‌های دیگر نیز توجه نماییم.

### بحث و نتیجه‌گیری

چارچوب سیاست اجتماعی متمایل به دیدگاه‌های سیاسی و صداهاى قدرت در نظام سیاسی است. مطالعه سیاست اجتماعی از یک سو مطالعه علمی و تا حدی بی‌طرفانه سیاست‌های جاری دولتمردان است و از سوی دیگر سوق دادن خود جناح‌ها و گروه‌های سیاسی به سوی بیان واضح، عینی و علمی نظراتشان و پرهیز از شعاردادن و کلی‌گویی و در نهایت تامین رفاه در جامعه است. این هدف را در همه ابعاد سیاست اجتماعی، و در این جا سیاست آموزش، می‌توان تصور نمود. سیاست آموزش به عنوان

یکی از کلیدی‌ترین ابعاد سیاست اجتماعی در دولت‌های رفاه مدرن متأثر از ایدئولوژی‌های دولت در طیف‌های چپ و راست بوده است. چنان‌که گفته می‌شود «ساخت روابط درونی و نگرش‌های کلی مربوط به آن در جهت‌گیری‌های اصلی، اهداف دراز مدت، برنامه‌ریزی کلی و برنامه‌ریزی آموزشی نقش عمده‌ای دارد، توان مالی، امکانات و تجهیزات فیزیکی، کمیت و کیفیت نیروی انسانی که در فرایند برنامه‌ریزی آموزش (تغییر ساختار آن) عمل می‌کند مستقیم یا غیرمستقیم از مضمون نهاد سیاست مایه می‌گیرد» (دهقانی و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۱).

اگر بپذیریم سیاست آموزش تابعی از رویکرد دولت است، بنابراین انتظار می‌رود سیاست آموزش در ایران نیز تحت تاثیر رویکرد دولت‌ها باشد. با این فرض که در ایران دولت‌های گوناگون با رویکردهای متفاوت از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۸ ش. قدرت را در دست داشته‌اند، سیاست آموزش این دولت‌ها را در بُعد سیاست‌های قانونی و هزینه اجتماعی به مثابه درون‌داد سیاست آموزش مورد بررسی قرار دادیم. از یک سو نتیجه این پژوهش نشان داد، سیاست آموزش در دولت‌های چهارگانه لزوماً تابع رویکرد این دولت‌ها نبوده است. شواهد موجود نشان می‌دهد تامین اعتبار، تغییر نظام آموزش و پرورش (یا تاکید بر تحول ساختار سازمانی و تشکیلاتی آن)، توجه به حمایت‌های مردمی و نیز دسترسی همگانی و عمومی به آموزش از اهم سیاست‌های قانونی این دولت‌ها در چارچوب برنامه‌های توسعه و نیز مصوبه‌های آنان بوده است. شباهت برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در حوزه آموزش، همسو با تحلیل صراف و بزرگیان (۱۳۸۴)، آقازاده (۱۳۸۸) و عبداللهی (۱۳۸۹) نشان داد سوای اختلاف جزئی در پاره‌ای موارد، سیاست‌های دولت‌های یاد شده در حوزه آموزش استمرار یافته و تکرار شده‌اند. از سوی دیگر این پژوهش نشان داد؛ تغییر هزینه اجتماعی در بُعد آموزش در دولت‌های چهارگانه مورد بررسی تابعی از تغییر رویکرد این دولت‌ها نبوده است. هر چند هزینه اجتماعی در بُعد آموزش طی سال‌های مورد بررسی نوسان اندکی دارد اما به



نظر این نوسان تحت تاثیر تغییر رویکرد دولت‌ها نبوده است. البته عدم وجود رابطه میان رویکرد دولت و سیاست آموزش در بُعد هزینه اجتماعی در این پژوهش با وجود اندازه اثر بالا می‌تواند به عوامل دیگری مربوط باشد. بنابراین تحلیل دقیق‌تر از رابطه رویکرد دولت و سیاست آموزش مستلزم بررسی بیشتر و کنترل متغیرهای دیگر است. یادآوری می‌شود، ارزیابی صورت گرفته درباره سیاست آموزش دولت‌های چهارگانه صرفاً ناظر بر درون‌داد سیاست آموزش است و ارزیابی عملکرد این دولت‌ها در حوزه آموزش که به عنوان برون‌داد و برآیند سیاست آموزش مطرح می‌گردد مورد توجه این پژوهش نبوده است. این‌که هر یک از سیاست‌های دولت‌های مورد بررسی در بُعد آموزش تا چه اندازه عملیاتی شده است و پایبندی دولت‌ها در اجرای سیاست‌هایشان تا چه اندازه بوده است موضوع پژوهش دیگری است.

برای بررسی سیاست آموزش در ایران توجه به شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تاثیرگذار بر عملکرد دولت‌ها مانند: جنگ، ظرفیت مالی دولت با اتکا به درآمدهای نفتی و شرایط بین‌المللی دارای اهمیت است. به نظر می‌رسد با بررسی عوامل مطرح شده بتوان به درک بهتری از سیاست آموزش در ایران دست یافت و به نقش تعیین‌کننده‌ها و عوامل مؤثر بر تغییر یا احتمالاً توسعه و حتی عدم توسعه آن رسید. برای دستیابی به نتیجه‌ای کلی در مورد رویکرد سیاسی دولت‌ها و وجود یا عدم وجود تنوعی از سیاست‌های اجتماعی در میان آن‌ها، نیازمند مطالعاتی در مورد ابعاد دیگر سیاست اجتماعی هستیم. باید به این نکته توجه داشت که «بخشی از فضای سیاست اجتماعی به مطالعات و پژوهش‌های این حوزه مربوط است» (قاراخانی، ۱۳۹۰: ب: ۱۲۷)، بنابراین از طریق این مطالعات می‌توان پی برد که آیا نظام رفاهی ایران یک نظام پیچیده، بی‌برنامه و سرهم‌بندی شده از خدمات است یا بر مبنای خط‌مشی‌های مشخص و تعریف شده دولت‌ها پیگیری می‌شود؟ به عبارت دیگر آیا مطالعه سیاست‌ها و برنامه‌های دولت‌ها در ابعاد گوناگون سیاست اجتماعی نشانی از آشفتگی ایده‌ها و

رویکردها است، یا هر دولت با رویکرد مشخص خود سیاست اجتماعی معین و منحصر به خود را دنبال می‌کند؟ ضمن این که بررسی سیاست اجتماعی در دولت‌های ایران می‌تواند این پیش‌فرض را مطرح کند که آیا اساساً تفاوت در رویکرد دولت‌ها که برخی بر وجود آن باور ندارند و تفاوت این دولت‌ها را اساسی و مهم تلقی نمی‌کنند تا چه اندازه می‌تواند به واقعیت نزدیک باشد.

\* از آقای دکتر سید آیت‌الله میرزائی که پیش از چاپ مقاله آن را مطالعه و پیشنهادهای ارائه نمودند سپاسگزاریم.

### منابع

- آبراهامیان، یرواند. (۱۳۸۹)، **تاریخ ایران مدرن**، ترجمه: ابراهیم فتاحی، تهران: نشرنی.
- آقازاده، احمد. (۱۳۸۸)، **مسائل آموزش و پرورش ایران**، تهران: سمت.
- ابریشمی، حمید. (۱۳۷۵)، **اقتصاد ایران**، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- اسکندری، صالح. (۱۳۸۵)، **دولت نهم و احزاب اصولگرا**، رسالت ۱۳۸۵/۱۲/۲۱
- انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور. (۱۳۸۰)، **گزارش عملکرد دولت (۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰)**، تهران: انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، چاپ دوم.
- الهام، غلامحسین. (۱۳۸۶)، «بنیادگرایی: اصلاح‌طلبی و اصولگرایی: گفت‌وگو با غلامحسین الهام سخنگوی دولت»، **نشریه برداشت اول**، ۱ تیر.
- انصاری، عبدالله. (۱۳۸۹)، «بررسی نقش دولت در تأمین منابع مالی آموزش و پرورش ایران»، **فصلنامه تعلیم و تربیت**، پژوهشکده تعلیم و تربیت، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، سال بیست و ششم، شماره ۴، زمستان.

- بشیریه، حسین. (۱۳۸۱)، *دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، تهران: نشر نگاه معاصر.
- برزین، سعید. (۱۳۷۷)، *جناح‌بندی‌های سیاسی در ایران از دهه ۱۳۶۰ تا دوم خرداد ۱۳۷۶*، چاپ دوم، تهران: نشر مرکز.
- بزرگیان، کوروش. (۱۳۸۵)، «گذری بر اهداف آموزش و پرورش در یک‌صدسال اخیر»، *مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی*، دفتر مطالعات فرهنگی.
- بلیک‌مور، کن. (۱۳۸۹)، *مقدمه‌ای بر سیاست‌گذاری اجتماعی*، ترجمه: علی‌اصغر سعیدی و سعید صادقی، تهران: موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی
- بیژنی، مریم و همکاران. (۱۳۸۸)، *جایگاه مشروعیت قانونی در گفتمان‌های سیاسی رسمی نظام جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۶-۱۳۵۷)*، *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۴۶، پاییز.
- پارسونز، واین. (۱۳۸۵)، *مبانی سیاست‌گذاری عمومی و تحلیل سیاست‌ها*، ترجمه: حمیدرضا ملک‌محمدی، جلد دوم، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پتریک. تونی فیتز. (۱۳۸۵)، *نظریه‌های رفاه جدید*، ترجمه: هرمز همایون‌پور، تهران: موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- پیوندی، سعید. (۱۳۷۶)، *واقعیت‌های نظام آموزشی ایران امروز، ایران نامه*، سال هیجدهم، شماره‌های ۱ و ۲، (نسخه الکترونیکی).
- پیوندی، سعید. (۱۳۸۷)، *سرنوشت اسلامی کردن نظام آموزشی ایران، ایران نامه*، شماره ۲۴، (نسخه الکترونیکی).
- حج‌فروش، احمد. (۱۳۸۴)، *حال و آینده آموزش و پرورش ایران: یک بررسی تحلیلی*، **همشهری**، ۱۳۸۴/۱۰/۸
- دژپسند، فرهاد و حمیدرضا رئوفی. (۱۳۸۷)، *اقتصاد ایران در دوران جنگ تحمیلی*، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز اسناد دفاع مقدس.

- دهقانی، علی، علی‌رضا رحیمی و داوود محمدی. (۱۳۸۵)، اقتصاد آموزش و پرورش، نشر آبیژ.
- دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی. (۱۳۸۲)، تحولات کمی وزارت آموزش و پرورش از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۱.
- ذکریایی، محمدعلی. (۱۳۸۰)، تحلیل جامعه‌شناختی مواضع جناح‌های سیاسی نسبت به جامعه مدنی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- رفیعی، حسین، سعید. مدنی قهفرخی و مرتضی. وامقی. (۱۳۸۷)، «مشکلات اجتماعی در اولویت ایران»، مجله جامعه‌شناسی، دوره نهم، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان.
- صافی، احمد. (۱۳۸۸)، مسایل آموزش و پرورش ایران و راه‌های کاهش آن‌ها، تهران: نشر ویرایش.
- صفوی، امان‌الله. (۱۳۸۰)، تاریخ آموزش و پرورش ایران، از ایران باستان تا ۱۳۸۰ ه.ش، تهران: رشد.
- صراف، حمیدرضا، صمد برزوئیان و کوروش بزرگیان. (۱۳۸۳)، «عملکرد بخش مالی آموزش و پرورش در برنامه سوم توسعه بر اساس برخی شاخص‌های مالی و اقتصادی»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، بخش آموزش و پرورش.
- صراف، حمیدرضا و کوروش بزرگیان. (۱۳۸۴)، «درباره لایحه بودجه سال ۱۳۸۵ کل کشور، آموزش و پرورش و ردیف‌های ملی»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات اجتماعی، بخش آموزش و پرورش.
- صراف، حمیدرضا و کوروش بزرگیان. (۱۳۸۵)، «درباره لایحه بودجه سال ۱۳۸۵ کل کشور» (نشانگرهای بخش مالی آموزش و پرورش)، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات اجتماعی، بخش آموزش و پرورش.
- ظریفی‌نیا، حمیدرضا. (۱۳۷۸)، کالبدشکافی جناح‌های سیاسی ایران ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۸، تهران: انتشارات آزادی اندیشه، چاپ دوم.

- ساعی، علی. (۱۳۷۶)، *روش تحقیق در علوم اجتماعی با رهیافت عقلانیت انتقادی*، تهران: سمت.
- ستاد اجرایی تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش. (۱۳۶۷)، «طرح کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی»، مصوب شورای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش.
- شهرام‌نیا، امیرمسعود. (۱۳۸۵)، *جهانی شدن و دموکراسی در ایران*، تهران: نشر نگاه معاصر.
- کدی‌نیک‌ی. (۱۳۸۳)، *نتایج انقلاب ایران*، ترجمه: مهدی حقیقت‌خواه، تهران: ققنوس
- کریمی، وهاب. (۱۳۸۶)، «ضرورت یک سیاست اجتماعی در ایران»، راهبرد، شماره ۴۵، پاییز.
- کیهان. (۱۳۸۴) «دعوا بر سر چیست؟»، شماره ۱۸۴۲۹، پنج‌شنبه ۲۲ دی ماه ۱۳۸۴.
- عبداللهی، حسین. (۱۳۸۹)، *برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش (با تأکید بر تجربه ایران)* تهران: پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.
- فاضلی، محمد. (۱۳۷۷)، «در چالش توسعه»، *نامه فرهنگ*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سال هشتم شماره ۳۰.
- فرقانی، محمد مهدی. (۱۳۸۲)، *راه دراز گذار: بررسی تحول گفتمان توسعه سیاسی در ایران*، تهران: فرهنگ و اندیشه.
- فوزی، یحیی. (۱۳۸۴)، *تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران*، جلد دوم، تهران: موسسه چاپ و نشر عروج.
- قاراخانی، معصومه. (۱۳۹۰ الف)، *تحلیل سیاست اجتماعی در ایران*، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
- قاراخانی، معصومه. (۱۳۹۰ ب)، «پژوهش سیاست اجتماعی در ایران»، *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، سال سوم، شماره ۹، زمستان.

- قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۳۸-۱۳۷۲. (۱۳۷۳)، سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی، اجتماعی و انتشارات.
- قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۴-۱۳۷۸. (۱۳۷۵)، سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی، اجتماعی و انتشارات.
- قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۹-۱۳۸۳. (۱۳۷۸)، سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی، اجتماعی و انتشارات.
- قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۴-۱۳۸۸. (۱۳۸۵)، سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی، اجتماعی و انتشارات.
- قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۴-۱۳۹۰. (۱۳۸۹)، سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی، اجتماعی و انتشارات.
- قانون بودجه سال ۱۳۶۱ مصوبه ۱۳۶۰/۱۲/۲۶ مجلس شورای اسلامی. (۱۳۶۱)، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات.
- قانون بودجه سال ۱۳۶۲ مصوبه ۱۳۶۱/۱۲/۲۶ مجلس شورای اسلامی. (۱۳۶۲)، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات.
- قانون بودجه سال ۱۳۶۳ مصوبه ۱۳۶۲/۱۲/۳۰ مجلس شورای اسلامی. (۱۳۶۳)، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات.
- قانون بودجه سال ۱۳۶۴ مصوبه ۱۳۶۳/۱۲/۲۹ مجلس شورای اسلامی. (۱۳۶۴)، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات.

- قانون بودجه سال ۱۳۶۵ مصوبه ۱۳۶۴/۱۲/۲۶ مجلس شورای اسلامی. (۱۳۶۵)، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات.

- قانون بودجه سال ۱۳۶۶ مصوبه ۱۳۶۵/۱۲/۲۸ مجلس شورای اسلامی. (۱۳۶۵)، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات.

- قانون بودجه سال ۱۳۶۷ مصوبه ۱۳۶۶/۱۲/۱۸ مجلس شورای اسلامی. (۱۳۶۶)، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات.

- قانون بودجه سال ۱۳۶۸ مصوبه ۱۳۶۷/۱۲/۲۹ مجلس شورای اسلامی. (۱۳۶۷)، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات.

- قانون بودجه سال ۱۳۶۹ مصوبه ۱۳۶۸/۱۲/۲۸ مجلس شورای اسلامی. (۱۳۶۸)، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات.

- قانون بودجه سال ۱۳۷۰ مصوبه ۱۳۶۹/۱۲/۲۶ مجلس شورای اسلامی. (۱۳۷۰)، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات.

- قانون بودجه سال ۱۳۷۱ مصوبه ۱۳۷۰/۱۱/۱۲ مجلس شورای اسلامی. (۱۳۷۱)، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات.

- قانون بودجه سال ۱۳۷۲ مصوبه ۱۳۷۱/۱۱/۱۲ مجلس شورای اسلامی. (۱۳۷۲)، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات.

- قانون بودجه سال ۱۳۷۳ مصوبه ۱۳۷۲/۱۱/۱۲ مجلس شورای اسلامی. (۱۳۷۳)، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات.
- قانون بودجه سال ۱۳۷۴ مصوبه ۱۳۷۳/۱۱/۱۱ مجلس شورای اسلامی. (۱۳۷۴)، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات.
- قانون بودجه سال ۱۳۷۵ مصوبه ۱۳۷۴/۱۱/۱۱ مجلس شورای اسلامی. (۱۳۷۵)، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات.
- قانون بودجه سال ۱۳۷۶ مصوبه ۱۳۷۵/۱۱/۱۴ مجلس شورای اسلامی. (۱۳۷۶)، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
- قانون بودجه سال ۱۳۷۷ مصوبه ۱۳۷۶/۱۱/۸ مجلس شورای اسلامی. (۱۳۷۷)، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
- قانون بودجه سال ۱۳۷۸ مصوبه ۱۳۷۷/۱۱/۱۳ مجلس شورای اسلامی. (۱۳۷۸)، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
- قانون بودجه سال ۱۳۷۹ مصوبه ۱۳۷۸/۱۲/۱۴ مجلس شورای اسلامی. (۱۳۷۹)، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
- قانون بودجه سال ۱۳۸۱ مصوبه ۱۳۸۰/۱۲/۲۲ مجلس شورای اسلامی. (۱۳۸۱)، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
- قانون بودجه سال ۱۳۸۲ مصوبه ۱۳۸۱/۱۲/۱۱ مجلس شورای اسلامی. (۱۳۸۲)، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
- قانون بودجه سال ۱۳۸۳ مصوبه ۱۳۸۲/۱۲/۱۴ مجلس شورای اسلامی. (۱۳۸۳)، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه.



- قانون بودجه سال ۱۳۸۴ کل کشور، ماده واحده، تبصره‌ها و جداول کلان منابع و مصارف بودجه، مصوبه ۱۳۸۳/۱۲/۲۵ مجلس شورای اسلامی. (۱۳۸۴)، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، تهران: انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- قانون بودجه سال ۱۳۸۴ کل کشور، ماده واحده، تبصره‌ها و جداول کلان منابع و مصارف بودجه، مصوبه ۱۳۸۳/۱۲/۲۵ مجلس شورای اسلامی. (۱۳۸۴)، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، تهران: انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- قانون بودجه سال ۱۳۸۵ کل کشور، ماده واحده، تبصره‌ها و جداول کلان منابع و مصارف بودجه، مصوبه ۱۳۸۳/۱۲/۲۵ مجلس شورای اسلامی. (۱۳۸۵)، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، تهران: انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- قانون بودجه سال ۱۳۸۶ کل کشور، ماده واحده، تبصره‌ها و جداول کلان منابع و مصارف بودجه، مصوبه ۱۳۸۵/۱۲/۲۵ مجلس شورای اسلامی. (۱۳۸۶)، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، تهران: انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- قانون بودجه سال ۱۳۸۷ کل کشور، ماده واحده، تبصره‌ها و جداول کلان منابع و مصارف بودجه، مصوبه ۱۳۸۶/۱۲/۱ مجلس شورای اسلامی. (۱۳۸۷)، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، تهران: انتشارات معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور.
- قانون بودجه سال ۱۳۸۸ کل کشور، ماده واحده، تبصره‌ها و جداول کلان منابع و مصارف بودجه، مصوبه ۱۳۸۷/۱۲/۲۶ مجلس شورای اسلامی. (۱۳۸۸)، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، تهران: انتشارات معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور.
- هال، آنتونی و جیمز. میجلی. (۱۳۸۸)، **سیاست اجتماعی و توسعه**، ترجمه: مهدی ابراهیمی و علیرضا صادقی، تهران: جامعه‌شناسان.
- هی‌وود، اندرو. (۱۳۷۹)، **ایدئولوژی‌های سیاسی**، ترجمه: محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه.
- مرتجی، حجت. (۱۳۷۸)، **جناح‌های سیاسی در ایران امروز**، تهران: انتشارات نقش ونگار، چاپ چهارم.

- میرآشتیانی، الهام. (۱۳۸۲)، **مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی مسائل اجتماعی در ایران**، تهران: مرکز بررسی‌های استراتژیک.
- مجموعه اسناد ملی توسعه در برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۸۵)، **معاونت امور اقتصادی و هماهنگی، دفتر برنامه‌ریزی و مدیریت اقتصاد کلان**، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، معاونت امور اداری، مالی و منابع انسانی، مرکز مدارک علمی، موزه و انتشارات.
- معاونت امور اجتماعی مدیریت آموزش و پرورش عمومی و فنی و حرفه‌ای. (۱۳۶۳)، «ارزیابی عملکرد آموزش و پرورش در سال‌های ۱۳۶۲ و ۱۳۶۳ و پیش‌بینی برنامه سال ۱۳۶۴»، **سازمان برنامه و بودجه**، معاونت امور اجتماعی مدیریت آموزش و پرورش عمومی و فنی و حرفه‌ای، آذرماه.
- مومنی، فرشاد. (۱۳۷۴) **کالبدشکافی یک برنامه توسعه**، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، موسسه تحقیقات اقتصادی.
- مومنی، فرشاد. (۱۳۸۴)، «ترکیب خردمندان دولت و بازار در اصول اقتصادی قانون اساسی»، **فصلنامه جامعه و اقتصاد**، سال اول، شماره ۳، بهار.
- مومنی، فرشاد. (۱۳۸۹)، «تجربه اقتصاد جنگی در ایران»، **نسیم بیداری**، سال اول، شماره ۹، شهریور.
- معاونت پژوهشی دفتر مطالعات فناوری‌های نوین. (۱۳۸۹)، «مصوبه‌های هیأت وزیران»، مجموعه قوانین و مقررات کشور، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، نسخه الکترونیکی.
- یوسفی، علی. (۱۳۷۹)، **مشروعیت سیاسی دولت جمهوری اسلامی ایران در سه شهر تهران، مشهد و یزد**، پایان نامه دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.

- Alcock, Clife ; Guy. Daly and Edwin. Griggs. (2008). **Introducing Social policy**, second edition , Pearson, Longman.
- Baldock, John , Nivoholas. Manning, Stewart. Miller and Sarah. Vickertaff . (1999). **Social policy**, OXFORD.
- Cho , Soo – yeon.(2007). The Origin and Implementation of the National Health Insurance Programs in Korea, 1961 – 1979, The University of Missouri – Columbia.
- Evans, Martin. (1998). **Social security: Dismantling the pyramids? In The state of welfare: The Economics of social spending**, Edited by Howard Glennerster and John Hills, second edition, New York, OXFORD.
- Gough, Ian .(2008). **European Welfare State: Explanations and Lessons for Developing Countries** In “Inclusive States: Social Policy Structural Inequality”, Edited by Anis A. Dani & Arjan de Haan, The World Bank.
- Hann, Arjan de. (2007). **Reclaiming social policy: Globalization, social exclusion and new poverty reduction strategies**, PALGRAVE MACMILIAN.
- Karshenas, Massoud and Valentine, Moghadam.(2006). ”Social policy in the middle east: introduction and overview”, **In Social Policy in the Middle East** , Massoud Karshenas & , Valentine Moghadam , UNRISD.
- Manning, Nick. (1999) “Welfare, Ideology, and Social Theory”, **In Social policy**, edited by J. Baldock, N. Manning, S. Miller and S. Vickerstaff, New York, OXFORD.
- Messcoub , Massoud. (2006). “Constitutionalism, Modernization and Islamization: The Political Economy Of Social Policy in Iran”, **In Social Policy in the Middle East**, Massoud Karshenas & , Valentine Moghadam , UNRISD.
- Paton, Calum (1996). Health policy and management, Chapman & Hall.

- Pickvance, Chris. (1999). "The Impact of Social Policy", In **Social policy**, Edited by Baldock.John , Nivoholas. Manning, Stewart.Miller and Sarah. Vickertaff, OXFORD.
- Ramesh, Mishra. (2005). **Social Policy in East Southeast ASIA, Education, Health, Housing and Income Maintenance**, London and New York: Routledge.Curzon.
- Segal, Elizabet.A. (2007). **Social welfare policy and social programs**, A values perspective, THOMSON
- Stryker, Sean.D. (1999). **The Rationalization of the political Field: Beyond the State and State- and Society- Centered Theories of Policy Change**, UC Berkeley, Center for culture, Organization and Politics, Retrieved from: <Http://www.escholarship.org/uc/item/4bk1rgh2>
- Vickerstaff, Sarah. (1999). "Education and Training", In **Social policy**, Edited by Baldock.John , Nivoholas. Manning, Stewart.Miller and Sarah. Vickertaff, Oxford University Press.
- Walsh, Mark ; Paul. Stephens and Stephen. Moore .(2000). **Social policy & welfare**, Stanley Thrones.